

خویشاوندی صحابه و اهل بیت

نوشته ی:

ابو معاذ سید بن احمد بن ابراهیم اسماعیلی

فهرست

۱	پیشگفتاری از کتاب «رحماء بینهم»
۲	فهرست
۴	اهداء
۲۴	مقدمه
	اسم‌هایی از اهل بیت علوی و هاشمی که به نام‌های اصحاب پیامبر ﷺ نامگذاری شده‌اند
۲۸	کسانی که به اسم ابوبکر ﷺ نامگذاری شده‌اند
۲۸	کسانی که به نام عمر ﷺ نامگذاری شده‌اند
۲۹	کسانی که به نام عثمان ﷺ نامگذاری شده‌اند
۳۱	کسانی که به نام عائشه ﷺ نامگذاری شده‌اند
۳۱	کسانی که به نام طلحه ﷺ نامگذاری شده‌اند
۳۳	کسانی که به نام معاویه ﷺ دایی مؤمنان نامگذاری شده‌اند
۳۳	ازدواج‌های بین اهل بیت و صحابه رضی الله عنهم
۳۴	ازدواج‌های اهل بیت و خانواده ابوبکر صدیق از بنی تمیم
۳۴	ازدواج‌های بین اهل بیت و آل زبیر
۳۵	ازدواج‌های بین اهل بیت و آل خطاب از بین عدی
۳۸	ازدواج‌های بین اهل بیت و بنی تیم
۳۹	ازدواج‌های بین اهل بیت و بنی امیه
۴۰	

-
- آیا بعد از این همه مراجع سخن دیگری وجود دارد؟!..... ۴۵
- ازدواج‌های بین اهل بیت علوی و پسر عموهایشان از اهل بیت عباسی..... ۴۵
- ملحق اول: اسمهای مادران امامان..... ۴۷
- ملحق دوم: راهنمای اسمهای پسران و دختران اهل بیت رضی الله عنهم..... ۵۱
- ملحق سوم: جدول ازدواج‌های امامان..... ۵۳

پیشگفتاری از کتاب «رحماء بینهم»

نامگذاری

اسم اشاره به مسمی یا صاحب اسم است، و این علامت ویژه ای است که او را از دیگران متمایز می کند، و مردم همواره این اصل را پذیرفته اند و به آن عمل می کنند. هیچ عاقلی نیست که در اهمیت اسم تردید داشته باشد، زیرا با همین نشان بارز است که کودک از سایر برادران و کودکان دیگر باز شناخته می شود و رفته رفته بوسیله آن در خانواده و جامعه معروف و مشهور می گردد تا اینکه سرانجام انسان فنا می شود اما اسمش (با ویژگیهایی خوب یا بد آن) باقی می ماند.

اسم از «سُمُو» یعنی بلندی یا از «وَسْم» به معنی نشان و علامت گرفته شده است، همه این امور دلالت بر اهمیت اسم برای کودک می کند، و این اهمیت را به هیچ عنوان نمی توان نادیده گرفت. از بازرترین ویژگیهای اسم این است که دلالت بر عقل و مکتب اعتقادی شخص می کند، به طور مثال دشوار و شاید ناممکن است که شما شنیده باشید یهود و نصاری فرزندانشان را (محمد صلی الله علیه و آله وسلم) بنامند! یا اینکه مسلمانان فرزندانشان را لات و عزی یا فرعون و هامان و ابوجهل و ابولهب بنامند! بنابراین رابطه فرزند با پدرش بوسیله اسم برقرار می گردد، و پدر و سایر اعضای خانواده فرزندشان را با اسم بلکه با اسمی که دوست دارند و می پسندند صدا می زنند، بنابر این اسم تک تک افراد خانواده در میان آنان و سایر خویشاوندان بسیار تکرار می گردد، و از قدیم گفته اند: (مِنْ إِسْمِكَ أَعْرِفُ أَبَاكَ) از روی اسمت شخصیت پدرت را می شناسم.

اهمیت اسم در اسلام

برای شناخت و تشخیص این اهمیت همین کافی است بدانیم که شریعت پاک محمدی صلی الله علیه و آله و سلم به اسم اهمیت فوق العاده ای قائل شده است، لذا رسول محبوب صلی الله علیه و آله و سلم اسم بعضی صحابه را اعم از زن و مرد عوض کردند، بلکه حتی اسم شهرشان را از یترب به مدینه تبدیل کردند، کما اینکه حضرتش صلی الله علیه و آله و سلم مانع از نامگذاری بعضی اسمها شدند. لذا فرمودند: (إِنْ أَخْنَعَ اسْمٌ عِنْدَ اللَّهِ رَجُلٌ تَسْمِي بِمَلِكِ الْأُمَلَاكِ) پست ترین شخص در نزد خداوند کسی است که خودش را ملک الملوک یا شاهنشاه بنامد.

همچنین رسول گرامیمان صلی الله علیه و آله و سلم به بعضی اُسماء مانند عبدالله و عبدالرحمن و غیره که در آن اشاره به مقام بندگی برای خداوند است ترغیب فرمودند: (أَحَبُّ الْأَسْمَاءِ إِلَى اللَّهِ عِبَادَةُ اللَّهِ وَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ) «محبوبترین نامها در نزد خداوند عبدالله و عبدالرحمن است».

چنانکه از سیرت رسول گرامی مان صلی الله علیه و آله و سلم معلوم می شود ایشان از اسم خوب خوششان می آمد و آنرا به فال نیک می گرفتند. از نظر علمای علم اصول و ادبیات عرب، اسمها از خود شان مفاهیم و معانی دقیق و حساب شده ای دارند، تفصیل این موضوع را در کتب اصول فقه و ادبیات عرب ملاحظه می فرمائید، و علماء در زمینه مسائل گوناگونی که از آن گرفته میشود بحث کرده اند.

یک پرسش عقلانی

خواننده عزیز! سراسیمه نشو و پیشاپیش تعجب نکن؟ با من ادامه بده، لطفاً به این پرسشها پاسخ بده.

فرزندت را چه می نامی؟ آیا اسمی را برایش می پسندی که از دید شما و همسر و خانواده ات معنی و دلالت روشن و دلکش و دوست داشتنی دارد، یا اینکه هر چه پیش آمد خوش آمد؟! حتی اگر اسم دشمنانت باشد؟! سبحان الله، واقعاً شگفت انگیز است، ما امروز در این عصر جهالت و غفلت از دین، برای فرزندانمان اسم معنی دار و دلکش و جذاب و با شخصیت انتخاب می کنیم، اما حاضر نیستیم این اصل را در مورد بهترین انسانهای روی زمین که در عصر طلایی زندگی میکردند بپذیریم، و می گوئیم نه! آنها به دلایل سیاسی و اجتماعی مجبور شدند اسم دشمنانشان را بر روی فرزندانشان بگذارند، بدون اینکه احساس و عاطفه شان، آنانرا راهنمایی کند!

قضاوت با شما

عجیب است که سروران امت و عاقلترین انسانها، و صاحبان عزت و افتخار و شجاعت که علاوه بر شجره طوبه (نسب شریف)، شخصیتهای آنان نیز همچون نور می درخشید، از ابتدائی ترین معانی انسانیت محروم نگه داشته می شوند! تا جائیکه به آنان اجازه داده نمی شود که فرزندانشان را به نامهای پسندیده و محبوب شان نامگذاری کنند، بلکه مجبور می شوند نام دشمنانشان را بر روی فرزندانشان بگذارند، آیا این باور کردنی است؟

شایان ذکر است که این نامگذاری تنها برای یک فرد نبود بلکه اهل بیت مجموعه ای از فرزندانشان را با این نامها افتخار بخشیدند، و این نامگذاری پس از سپری شدن و فراموش کردن دشمنی نبوده بلکه به ادعای آنان در اوج دشمنی بوده است که ما می گوئیم خیر بلکه در اوج محبت بوده، زیرا دشمنی ای در کار نبوده است، این مساله مهم و قابل توجهی است که باید آنرا دقیق مطالعه کرد، و روی آن حساب نمود، زیرا که در آن دلالت های فراوانی است و در آن رد بر تمام آن داستانهای خیالی و افسانه های

مسموم و اوهام و خرافاتی است که دل‌های صاف مسلمین را مکدر و صف محکم آنان را متفرق کرده است، این حقیقت به قدری روشن و قابل فهم است که هر انسان عاقل و بی غرضی براحتی می‌تواند آنرا درک کند، و هر انسان با شعوری که احساس و عاطفه اش نمرده باشد خیلی ساده می‌تواند آنرا بفهمد، و ناممکن است که انسان‌های عاقل و آزاده بپذیرند که براستی این نامگذاری نمایشی بوده باشد، و نه امکان رد و تاویل آن وجود دارد.

نتیجه گیری

لذا در پایان بن بست با خط درشت نوشته است، عشق و محبت و احترام صحابه و اهل بیت نسبت به یکدیگر چنان در رگ و خون آنان عجین شده بود که بوی عطر صفا و صمیمیت آن تا امروز نیز مشام جهانیان را عطر آگین می‌کند، اما بیمارانی که حس بویایی شان کار نمی‌کند و همواره دچار زکام و سرما خوردگی هستند؛ از استشمام این نعمت بزرگ محرومند و شاید هم مدعی شوند که بوی گند به مشامشان می‌رسد، راست می‌گویند؛ چون مریضند، اگر سالم بودند تشخیص می‌دادند که ادعای بوی گند دروغ است؛ جهان عطر آگین است ولی آنها مانند کوری هستند که عصاکش آنان دیگرانند و خدا نکند که خودِ عصاکش هم کور باشد!

و اینک اصل مطلب

علی علیه السلام از فرط محبتش با خلفای ثلاثه ابوبکر و عمر و عثمان رضی الله عنهم، سه تا از فرزندان را با نام گرامی آنان نامگذاری می‌کند. ابوبکر(ع) ابن علی ابن ابی طالب که با برادر بزرگوارش امام حسین - علیه و علی آبائه الصلاه والسلام - در صحنه کربلا به شهادت می‌رسد. عمر(ع) ابن علی بن ابی طالب که با برادر بزرگوارش امام

حسین (ع) در حماسه کربلا شرکت می کند و پس از جهاد و مبارزه، زنده با امام زین العابدین به مدینه بر می گردد. و نسلش ادامه پیدا میکند. عثمان (ع) ابن علی ابن ابی طالب که با برادر بزرگوارش امام حسین (ع) در کربلا به شهادت می رسد. امام حسن مجتبی علیه السلام نیز سه تا از فرزندانش را ابوبکر (ع) و عمر (ع) و طلحه (ع) نام می گذارد که با عمویشان در کربلا به شهادت می رسند. امام حسین علیه السلام نیز فرزندش را عمر (ع) نام می گذارد. امام زین العابدین علیه السلام یک دخترش را عایشه (س) و یک پسرش را عمر (ع) نام می گذارد، که نسل عمر ابن زین العابدین ادامه پیدا می کند. همچنین بقیه اهل بیت از نسل عباس ابن عبدالمطلب و نسل جعفر ابن ابی طالب و مسلم ابن عقیل و دیگران، که در اینجا ما در صدد درج تمام این اسما نیستیم بلکه مقصود فقط ذکر نمونه هایی است که مطلب مورد نظر را روشن کند.

مناقشه

بعضی شیعیان منکر این حقیقت هستند که علی و فرزندانش علیهم السلام فرزندان خودشان را به این نامها نامگذاری کرده اند. البته اینها فقط کسانی هستند که یا اطلاع ندارند چون مطالعه نمیکند و با کتابها سروکاری ندارند، و یا اینکه تجاهل عارفانه می کنند و قصداً از روی ضد و عناد این حقایق روشن را انکار میکنند. خوشبختانه بسیاری از ائمه و علمای بزرگ تشیع اینگونه جهالت مقصود یا غیر مقصود را رد کرده اند، زیرا دلائل وجود این نامهای مبارک قطعی و یقینی است، چون نسلهای آنان ادامه دارد و بلکه خود کتب تشیع که جریان حادثه کربلا را نقل می کنند گواهی می دهند که ابوبکر ابن علی ابن ابی طالب و ابوبکر ابن حسن ابن علی و عمر ابن علی و عثمان ابن علی (علیهم السلام) در کنار امام حسین به شهادت رسیدند. آری اینها شهادی صحنه کربلا هستند، این امر را خود برادران شیعه در کتابهایشان آورده اند، شاید

شما برسید پس چرا در حسینه‌ها از این قبیل شهداء اسمی برده نمی‌شود و در دسته‌های عزا داری کسی نام آنها را نمی‌برد؟! طبیعی است باید هم برسید، اما پاسخ اینگونه پرسشها را ما نباید بدهیم، از کسانی برسید که بیشتر از ما ادعای حب اهل بیت دارند، که برآستی چرا از این قهرمانان اهل بیت هیچ خبری نیست در حالیکه عمر ابن علی ابن ابی طالب و عمر ابن حسن ابن علی از شجاع‌ترین و حماسه‌آفرین‌ترین مردان آن صحنه تاریخی بودند.

خلاصه اینکه مسئله نامگذاری ائمه اهل بیت (علیهم السلام) فرزندانشان را به نامهای افتخار انگیز ابوبکر و عمر و عثمان و عائشه و طلحه و زبیر و معاویه و دیگر بزرگان صحابه (رضوان الله علیهم اجمعین) یکی از مسائل مهمی است که در قاموس تشیع نوین هیچ پاسخی برای آن نمی‌توان یافت. ناممکن است اگر بگوئیم آنها بدون در نظر داشتن معنی و دلالت این اسمها فرزندانشان را به این نامهای گرامی و فخرآفرین نامیدند، هیچ عقل سلیمی باور نمی‌کند، و این را هم نمی‌توان گفت که این یک دسیسه و سازش حساب شده از طرف اهل سنت است که از قدیم الایام در کتب تشیع دست برده‌اند، و این گونه مطالب را در آنها گنجانیده‌اند! زیرا معنی این گفته طعن و تشکیک در تمام روایات و کتب تشیع است. بنابراین هر روایتی که شیعیان از آن خوششان نیامد بگویند این دسیسه و سازش از سوی اهل سنت است! در این صورت هر کس هر روایتی که موافق میلش نبود می‌تواند به همین سادگی رد کند و بگوید این توطئه است! بویژه آنکه در مکتب تشیع هر مجتهد زنده‌ای خیلی راحت می‌تواند هر روایتی که خواست رد کند و آنرا نپذیرد چون خودش مجتهد است و هیچ قانون و ضابطه‌ای هم وجود ندارد که او را باز دارد.

چه کسی باور کند؟

از چیزهای بسیار خنده آور این است که مقصود از نامگذاری به نامهای صحابه بزرگ سب و توهین و لعن و نفرین آنان بوده است، کما اینکه فرموده اند! هدف از نامگذاری به اسمهای این چهره های تاریخ ساز، بدست آوردن دل عامه (اهل سنت) بوده است، یعنی امامان اسم فرزندان شان را به اسم دشمنان شان گذاشته اند تا اینکه اینها را توهین کنند و در نهایت دشمنان شان مورد اهانت قرار گیرند و یا اینکه مردم تصور کنند که امام، خلفاء را دوست دارد. یعنی اینکه تقیه کرده است. به به!!!

چه شخصیتی از امام می سازیم!، امام یعنی کسیکه هر کارش بر خلاف اعتقاداتش است! تا اینکه یاران خودش و سایر مردم را بفربید و به آنها وانمود کند که دشمنانش را دوست می دارد، در حالیکه دشمن آنها است و از روی ترس چنین میکند!! چگونه امام تاریخ آینده و نسل های پس از خود را حیران و سردرگم می گذارد و نعوذ بالله با این حيله ها و ترفندها که با عزت و کرامت و شجاعت و اخلاق خاندان نبوت منافات دارد به خودش و خاندانش اهانت روا می دارد، چرا؟! فقط برای اینکه بنی تمیم یا بنی عدی یا بنی امیه را از خودش راضی نگهدارد، کسانی که با سیرت پاک ائمه (علیهم السلام) آشنایی دارند قطعاً می دانند که ائمه از شجاع ترین مردم بودند بر خلاف روایات جعلی و ساختگی ای که ائمه را مردانی بزدل و ترسو و دروغگو معرفی میکنند، که نه برای دینشان انتقام می گیرند، و نه آبرو برایشان مهم است، و نه عزت و کرامت برایشان معنایی دارد، و متأسفانه چقدر زیاد است از این دست روایتهایی که بنام دین به مردم قالب شده و مردم با چقدر اخلاص و پاک دلی آنها را پذیرفته اند.

نتیجه

کاری که ائمه (علی و فرزندان) - علیهم السلام - کرده اند از قوی ترین دلائل عقلی و روانی و حقیقی است که صدق محبت آل بیت علیهم السلام با خلفای راشدین رضی

الله عنهم و سایر اصحاب پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را می‌رساند، شما شخصاً این حقیقت را دارید مشاهده می‌کنید و اصلاً جای هیچگونه انکار و تردیدی وجود ندارد. و این واقعیت ارشاد پاک و منزّه خداوند را عینیت می‌بخشد که فرمود:

(مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ) «محمد رسول خداست و کسانی که با اویند برکافران سخت گیر و در میان خود مهربانند. آنان را در حال رکوع و سجده می‌بینی که از خداوند فضل و خشنودی میجویند. نشانه‌ی درستکاری آنان از اثر سجده در چهره‌هایشان پیداست.»

خواننده عزیز! لطفاً آیه را دوباره با دقت تلاوت کنید و معانی آنرا تصور کنید و در صفت رحمت که در آیه کریمه آمده (رحماء بینهم) بیشتر بیندیشید، ببینید که به چه نتیجه‌ای می‌رسید.

اهمیت مصاهره یا وصلت کردن

خواننده گرامی! دوست داری فرزنت را، جگرگوشه ات را، پیوند قلبت را، دختر عزیزت را به چه کسی بدهی؟ آیا راضی می‌شوی که او را به خانه‌ی مردی فاسق و جنایت‌کار بلکه به خانه‌ی قاتل مادرش یا برادرش بفرستی؟ کلمه داماد برای شما چه معنی دارد؟ شما حاضرید چه کسی را به دامادی خود انتخاب کنید؟

المصاهره در لغت از صاهر است، گفته می‌شود: (صَاهَرْتُ الْقَوْمَ إِذَا تَزَوَّجْتُ مِنْهُمْ)، وقتی دو خانواده جهت برقرار کردن روابط اجتماعی و پیوند زناشویی بین پسر و دختر یا زن و مرد با هم وصلت برقرار می‌کنند، این وصلت را در عربی مصاهره می‌گویند، صهر یعنی داماد ولی در عربی معنی گسترده‌تر از این دارد، صهر مرد یعنی خویشان زنش، و صهر زن یعنی خویشان شوهرش، خلاصه اینکه مصاهره در عربی به خویشان زن گفته می‌شود و گاهی به خویشان مرد نیز گفته می‌شود، و خداوند این مصاهره را جزو نشانه

های قدرت خودش قرار داده، چنانکه می فرماید: (وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا)

«و او ذاتی است که از آب بشری آفرید، آنگاه آن را دارای پیوند نسبی و سببی قرار داد و پروردگارت تواناست». در آیه کریمه دقت کنید که چگونه خداوند انسان را موجودی آفریده که با اطرافیان خودش از روی نسب و مصاهره رابطه داشته باشد و خانواده و اجتماع را تشکیل دهد. پس مصاهره رابطه شرعی است که خداوند آنرا در ردیف نسب ذکر کرده است، نسب به اقوام پدر نیز گفته می شود، بعضی علماء معتقدند که نسب مطلق قرابت و خویشاوندی است، پس وقتی می بینید که خداوند نسب و صهر را در ردیف هم ذکر کرده، بدانید که این امر بیانگر مطالب بسیار عمیقی است که نباید از آن غافل شد.

پیشینه مصاهره:

مصاهره از دیدگاه عربها از اهمیت ویژه ای برخوردار است، آنان به نسب افتخار می کنند کما اینکه به دامادها و موقعیت و منزلت آنان افتخار می کنند، لذا مشهور است که عربها کسی را که از خودشان شأن و منزلت کمتری داشته باشد به دامادی خود قبول نمی کنند، بلکه در نزد بسیاری از جوامع غیر عرب نیز وضعیت به همین منوال است، لذا اندیشه های ناسیونالیستی امروز یکی از دشوارترین و بغرنج ترین مشکلات اجتماعی غرب بشمار می رود.

بویره عربها درباره زن غیرت و حساسیت بخصوصی دارند، همین امر باعث شده بود که دختران نوزاد و معصوم شان را زنده در گور کنند که مبادا کسی به آنان توهین کند، بر سر این موضوع، چه بسا جنگها در می گرفت و خونها می ریخت که آثار آن تا امروز

نیز وجود دارد. گمان می‌کنم این اشاره‌های کوتاه جهت تفهیم و رساندن مطلب کافی است.

مصاهره در اسلام

وقتی اسلام آمد همه خوبیها و صفات حمیده را برقرار داشت و از همه زشتیها نهی فرمود، خداوند متعال بیان نمود که معیار ارزشها فقط تقوی است. (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ) «گرامی‌ترین شما در نزد خداوند پرهیزگارترین شما است». این معیار، بخشی از دیدگاه شریعت است. کما اینکه فقهای بزرگوار موضوع «کُفء» یا کفایت (هم سطح بودن) در دین و نسب و حرفه و مباحث مختلفی که به آن تعلق می‌گیرد را مورد بحث قرار داده‌اند، از جمله اینکه آیا کفایت (مساوی بودن زن و شوهر) از شروط صحت عقد است یا از شروط لزوم آن؟ و اینکه آیا این حق زن است یا اولیای امور او نیز در آن دخالت دارند؟ و مباحث دیگری که در باب نکاح مطرح می‌گردد.

شهید آبرو

و اما در مسئله صیانت و حفاظت عرض و آبرو و غیرت نسبت به زنان، رسول گرامی صلی الله علیه و آله وسلم کسی را که در دفاع از آبروی خودش کشته شود شهید گفته‌اند، بلکه جنگِ دفاع از آبرو و حیثیت را خود رسول گرامی صلی الله علیه و آله وسلم فرماندهی کرده‌اند. داستان مشهوری که یهود بنی قینقاع با حیلۀ حجابِ زنِ مسلمانی را از سرش کشیدند و بدینوسیله عهدشان را شکستند و با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اعلان جنگ کردند، خیلی معروف است. جریان از این قرار بود که یک زن مسلمان وقتی می‌خواست از یک مرد یهودی طلا بخرد یهودی از او خواست که چهره‌اش را باز کند زن نپذیرفت. آن یهودی در حالیکه زن نشسته بود و بدون اینکه احساس کند

گوشه چادرش را به چیزی بست که وقتی از جایش بلند شد صورتش لخت شد. زن فریاد کشید و کمک طلبید، جوان مسلمانی که در آن نزدیکی بود آمد و مرد یهودی را کشت، از آنسو هم یهودیها جمع شدند و جوان مسلمان را کشتند، این داستان واقعی می‌رساند که حفاظت از ناموس چه نقش مهمی در جامعه اسلامی داشته و دارد؛ در پی همین جریان بود که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم بر اثر پیمان شکنی یهود بنی قینقاع با آنان به جنگ پرداختند. آری خواننده گرامی! علاوه بر آن بعضی احکام شرعی مثل اشتراط ولی در عقد نکاح و شاهد گرفتن در نکاح و بلکه حد قذف و حد زنا و دیگر احکامی که همگی بیانگر اهمیت عزت و آبرو و حیثیت انسان مسلمان است، نشان می‌دهد که شریعت چقدر به حفظ آبرو حساس است.

اگر در این احکام و در حکمت و فلسفه و پیامدهای آنها بیندیشید و دقت کنید اهمیت موضوع خود بخود برای شما آشکار می‌شود.

اهمیت خواستگاری

احکام زیادی بر مصاهره مرتب می‌شود، اصلاً در خود مشروعیت عقد نکاح (که قرآن از آن به میثاق غلیظ تعبیر فرموده) دقت کنید که مرد چگونه و با چه شرایط و آدابی از زنی خواستگاری می‌کند و چه احکام زیبا و پند آمیزی بر آن مرتب می‌شود؛ ممکن است خواستگاری او پذیرفته و ممکن است رد شود.

ببینید مرد خواستگار چگونه از خانواده و خویشان و آشنایانش جهت برقراری روابط رسمی و کسب موافقت خانواده عروس تلاش می‌کند، و خانواده عروس با چه دقتی بررسی میکنند، فکر می‌کنند، مشورت می‌کنند، درباره داماد تحقیق می‌کنند؟ و در نهایت هیچ الزامی هم ندارند، ممکن است موافقت کنند و یا با کمال اختیار و جرأت و شهامت مخالفت خودشان را اعلان میکنند، حتی اگر داماد هدایایی فرستاده باشد یا

مقداری مهر مقدم پرداخته باشد یا هر احسان دیگری نیز به آنان کرده باشد، آنان مختارند هزار بار بیندیشند که آیا شایسته است دست عزیز و جگر گوشه شان را به دست این مرد بدهند یا خیر؟ علاوه بر آن عقد باید شاهد و گواه داشته باشد، و نکاح باید اعلان شود؛ چرا؟ زیرا احکام و پیامد های بسیار مهم و سرنوشت سازی بر آن مرتب می گردد. نکاح، دورها را نزدیک و بیگانه ها را با هم آشنا می کند و به مجرد اینکه عقد ازدواجشان بسته شود بسیاری زنان دیگر بر داماد و بسیاری مردان دیگر بر عروس حرام می گردد. این کتاب کوتاه ظرفیت تفصیل بیشتر را ندارد، فقط مقصود بیان اهمیت موضوع است و زمینه سازی جهت مطلبی که در پی خواهد آمد، بنابر این حالا شما به مطلب ذیل بیندیشید و دقت کنید.

مبارک باد!

خواهر امام حسن مجتبی و امام حسین سید الشهداء، دختر فاطمه زهراء «ام کلثوم» (ع) را پدرش امیر مؤمنان علی ابن ابی طالب رضی الله عنه به ازدواج فاروق اعظم عمر ابن خطاب (رضی الله عنه) در می آورد، آیا شایسته است بگوئیم که علی از ترس عمر این کار را کرد؟! پس شجاعتش کجا بود؟ دوستی و محبتش با دختر عزیزش کجا بود؟ آیا علی مرتضی دست دخترش را بدست ظالمی می سپارد؟ غیرتش درباره دین خدا کجا رفت؟ پرسشهای زیادی که پایان ندارد، یا اینکه به ناچار باید اعتراف کنیم که چون علی عمر را کاملاً می شناخت و به او اعتماد داشت، و با او الفت و محبت داشت لذا خواست بدینوسیله از شخصیت او تقدیر کند، آری بدون شک و تردید عمر با میل و رغبت خود علی و خانواده اش با دختر دختر رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم ازدواج کرد و ازدواجشان کاملاً شرعی و صحیح و علنی و اختیاری بود. این خود می رساند که این دو خانواده چقدر یکدیگر را دوست می داشتند و به یکدیگر احترام می

گذاشتند و جوئی سرشار از الفت و محبت در میان آنان حاکم بود، چرا چنین نباشد، درحالیکه خود رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم داماد (شوهر دختر) عمر (رض) بود، بنابر این رابطه گرم اجتماعی بین خانواده رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و خانواده عمر (رض) قبل از این ازدواج هم قائم بود.

امام جعفر صادق علیه السلام نوۀ ابوبکر رضی الله عنه

نمونه دوم: فرمودۀ امام جعفر صادق علیه السلام کافی است که فرمودند: (وَلَدَنِي ابُوبَكْرٍ مَرَّتَيْنِ) آیا می دانید مادر امام صادق کیست؟ «ام فروه» دختر قاسم ابن محمد ابن ابی بکر صدیق - رضی الله عنه - . آیا دقت کرده اید که چرا امام صادق علیه السلام فرمودند ابوبکر و نگفتند محمد ابن ابی بکر؟ آری این صراحت و بازگشت به جد بزرگوار خانواده صدیقی رضی الله عنهم بدلیل این بود که بعضی شیعه نمایان فضیلت ابوبکر صدیق را انکار می کردند، بر خلاف محمد پسر حضرت ابوبکر که شیعیان درباره فضل او متفقند، شما را به خدا فکر کنید و بیندیشید که انسان به چه کسی افتخار میکند؟! خوانندۀ گرامی! هر کس اندکی مطالعه و اطلاع داشته باشد، روابط خویشاوندی نسبی بین صحابه رضوان الله علیهم اجمعین اعم از مهاجر و انصار را درک می کند، این روابط به قدری صمیمی و گسترده بود که حتی موالی و بردگان صحابه از اشراف و سادات قریش زن گرفتند؛ زید ابن حارثه رضی الله عنه صحابی ای که نامش در قرآن کریم آمده همسرش کیست؟ زینب بنت جحش رضی الله عنها که بعدها افتخار ام المؤمنین را کسب نمود.

اسامه ابن زید رضی الله عنه برده معروف که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فاطمه بنت قیس قریشی را به همسری او دادند. سالم مولای (برده) حذیفه رضی الله عنهم که حضرت حذیفه دختر برادرش هند بنت الولید قریشی را به همسری او داد در حالیکه

پدر وی از سرداران قریش بود. اگر از مصاهره در بین صحابه رضی الله عنهم سخن بگوئیم موضوع بسیار طولانی خواهد شد، لذا به ذکر همین چند نمونه از ازدواجهای صمیمانه بین اهل بیت و خلفای راشدین رضی الله عنهم اکتفا میکنیم. پس گفتیم که عمر فاروق رضی الله عنه با ام کلثوم دختر حضرت فاطمه زهراء دختر گرامی رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم ازدواج کرده کما اینکه مادر امام جعفر صادق علیه السلام از هر دو طرف نوّه ابوبکر صدیق رضی الله عنه است.

رهبری عقل

پس خواننده گرامی! چه بهتر که از وسوسه شیطان بر حذر باشیم، و جدی و عمیق بیندیشیم، ما مسلمانیم، و هر مسلمان مکلف است که از عقل خودش کار بگیرد، چه بسیار است آیاتی که در قرآن کریم انسان را به تعقل و تفکر و تدبیر فرا میخواند که اینجا جای تفصیل آن نیست لذا باید از عقل کار گرفت و دائره تفکر و اندیشه را گسترش داد و از تقلید کورکورانه پرهیز نمود. برای انسان عاقل و دانا که خداوند به او عقل سالم عنایت فرموده، زشت است که بدون تفکر و تعقل هر سخنی را پیش از تحقیق و سنجش بپذیرد، بویژه در باب اعتقادات، که نباید اجازه دهیم سرنوشت دائمی و ابدی ما نسنجیده رقم بخورد، زندگی آخرت و اعتقاداتی که بر اساس آن مسیر سعادت یا شقاوت انسان تعیین می شود شوخی بردار نیست. پس خدایا از شر همه شیطانهای انس و جن به ذات شنوای دانا و حکیم و توانای تو پناه می جوئیم.

خواننده محترم! آیا شما راضی می شوید که پدران و پدر بزرگان شما دشنام داده شوند و به آنها اهانت گردد و گفته شود دختر شما را به زور و بر خلاف میل خانواده و فامیل و خویشاوندانش در حالیکه شما (یعنی پدرش) حاضر و زنده است به ازدواج گرفته اند؟ آیا شما این را برای خود می پسندید که به شما گفته شود « دختر شما یا ناموس

شما به زور غصب شده است» پس وقتی برای شما حتی شنیدن این مسئله دشوار است و نمی توانید آنرا تحمل کنید، و چه بسا آنرا منافی عزت و غیرت خود می دانید، پس نسبت به بهترین و پاکترین انسانهای روی زمین - بعد از پیامبران علیهم السلام - چگونه باید این چرندیات را شنید و تحمل کرد؟ این چه عقلی است که این گونه چرت و پرت ها را به نام دین و دانش و اسلام ناب و مکتب اهل بیت و روایات ائمه اطهار علیهم السلام می پذیرد؟! از خداوند می خواهیم که دلهایمان را از کینه و عداوت نسبت به مؤمنان پاک بدارد. پروردگارا! محبت همه بندگان صالح و نیکو کارت را در دلهایمان جای بده، و دلهای خرابمان را با محبت واقعی اهل بیت آباد بگردان. آمین یا رب العالمین.

دلایل این ازدواج تاریخی

اینک قبل از مبحث سوم نصوص و روایاتی از کتب معتمد برادران تشیع و از علمای بسیار معتبر آنان را از نظر شما می گذرانیم که در آنها اثبات ازدواج عمر فاروق با ام کلثوم دختر گرامی علی و حضرت زهراء رضی الله عنهم به روشنی به چشم می خورد.

اعتراف اول

صفی الدین محمد بن تاج الدین معروف به ابن الطقطقی الحسینی متوفای ۷۰۹ هجری نسب شناس و مورخ معروف در کتابی که تالیف آنرا به اصیل الدین حسن پسر خواجه نصیر الدین طوسی وزیر هلاکو تقدیم نموده، و آنرا به اسم خودش نام گذاری کرده در ذیل عنوان بنات امیر المؤمنین علی علیه السلام می نویسد: (وام کلثوم و أمها فاطمة بنت رسول الله تزوجها عمر بن الخطاب فولدت له زیدا ثم خلف علیها عبد الله بن جعفر

(یعنی « یکی دیگر از دختران امیر المؤمنین ام کلثوم می باشد که مادرش فاطمه دختر رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم است که عمر بن خطاب با وی ازدواج کرد و فرزندی به نام زید از او به دنیا آورد و پس از عمر به عقد عبدالله ابن جعفر در آمد».

اعتراف دوم

محقق سید مهدی رجائی مطالب بسیاری نقل کرده از جمله تحقیق ابوالحسن العمری از نوه های عمر پسر امام زین العابدین (ع) در کتابش «المجدی» می نویسد: «آنچه از ابن روایات می توان بدان اعتماد کرد مطلبی است که اکنون از نظر گذشت که عباس ابن عبد المطلب ام کلثوم را بارضایت و اجازه پدرش به ازدواج عمر در آورد و از عمر فرزندی به نام زید به دنیا آورد». محقق مذکور اقوال بسیار دیگری نیز نقل کرده از جمله: زنی که عمر با او ازدواج کرده شیطانی بوده!!! یا ممکن است ازدواج کرده اما با او هم بستری نکرده!!! یا اینکه به زور و با غضب با او ازدواج کرده است!!! .

اعتراف سوم

ملا باقر مجلسی می نویسد: «... همچنین است انکار شیخ مفید از اصل جریان ازدواج. این برای بیان این مطلب است که آن (ازدواج) از طریق آنها ثابت نشده است، و الا بعد از ورود آن روایات و روایات دیگری که با سند خواهد آمد که علی علیه السلام هنگامی که عمر وفات کرد نزد ام کلثوم آمد و او را با خود به خانه خودش برد، و روایات دیگری که از بحار الانوار آورده ام این انکار، عجیب می نماید، اصل جواب این است که این ازدواج از روی تقیه واضطرار بوده است..... الخ « !!!

اعتراف چهارم

انصاف هم خوب است. صاحب اصول کافی چندین حدیث در کتابش آورده است از جمله (باب المتوفی عنها زوجها المدخول بها أن تعتد وما يجب علیها: حمید ابن زیاد عن ابن سماعه عن محمد بن زیاد عن عبدالله بن سنان و معاویه بن عمار عن ابی عبدالله علیه السلام قال: سألته عن المرأة المتوفی عنها زوجها أعتد فی بیتها او حیث شاءت؟ قال بل حیث شاءت إن علیا علیه السلام لما توفی عمر أتى ام کلثوم فانطلق بها إلی بیته)» معاویه ابن عمار می گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم زنی که همسرش وفات کند باید در خانه اش (عده) بنشیند یا هر جایی که خواست؟ فرمود بلکه هر جائیکه خواست، علی علیه السلام هنگامی که عمر وفات کرد، ام کلثوم را با خود به خانه خودش برد.)

اعتراف پنجم

خواننده عزیز! با بعضی از علمای معاصر تشیع درباره این ازدواج صحبت کردم، از بهترین ردودی که آنان برای توجیه این ازدواج نوشته اند رد قاضی محکمه اوقاف و مواریث شیخ عبدالحمید الخطی در قطیف عربستان که نماینده چندین مرجع بزرگ تقلید در عربستان سعودی است می گوید: « و اما اینکه قهرمان اسلام امام علی علیه السلام دخترش ام کلثوم را به ازدواج عمر در آورده جای تعجب ندارد، زیرا رسول گرامی صلی الله علیه وآله وسلم برای هر فردی از مسلمین أسوه حسنه هستند، ایشان با ام حبیبه رضی الله عنها دختر ابوسفیان ازدواج کردند، در حالیکه شخصیت ابوسفیان در برابر عمر رضی الله عنهما اصلا قابل مقایسه نیست!، اینکه درباره ازدواج عمر با دختر علی اظهار تردید می شود هیچ توجیهی ندارد، و اما این گفته شما که عمر با جنی ازدواج کرده! یا جنی به شکل ام کلثوم در خانه عمر رضی الله عنه بوده! هم خنده دار و

هم گریه آور است، و بقدری مسخره است که ارزش ذکر کردن هم ندارد اگر قرار باشد دنبال اینگونه چرندها بگردیم بسیار است!».

شیخ پیرامون بحث مورد نظر یعنی نقش مصاهره در پیوندهای اجتماعی چیزی نگفته و حتی اشاره ای نکرده، که اینگونه پیوند اجتماعی در واقع جز با قناعت و باور تحقق نمی یابد، و در آن دلالت روشن و آشکاری بر محبت و اخوت و الفت بین دو خانواده عروس و داماد وجود دارد. خواننده عزیز! بر شما پوشیده نیست که بین ازدواج مرد مسلمان با زن اهل کتاب و بین ازدواج مرد اهل کتاب با زن مسلمان چقدر فرق آشکار وجود دارد، که اولی جایز و دومی ناجائز است، دقت کنید.

خلاصه:

مصاهره بین صحابه رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بسیار روشن و آشکار است بویژه بین خاندان علی با خاندان خلفای راشدین رضی الله عنهم اجمعین، کما اینکه مصاهره بین بنی امیه و بنی هاشم قبل از اسلام و بعد از اسلام بسیار معروف است، که بارزترین آن ازدواج رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم با دختر ابو سفیان است. مقصود ما در اینجا اشاره به دستاوردهای روانی و اجتماعی مصاهره بود که از بزرگترین بارزترین آن محبت بین طرفین مصاهره است. امیدواریم همین مقداری که بعرض رساندیم کافی باشد.

تقدیم به وحدت امت اسلامی

برادر و خواهر مسلمان!

از خداوند متعال خواستارم ما و شما را جهت نیل به سعادت دنیا و آخرت توفیق و تأیید عنایت فرماید.

خداوند ما را توفیق داد این هدیه کوچک و پرمحتوا را به شما تقدیم کنیم. علت ایجاد اقوال مختلف در این زمینه این است که آنها خویشاوندی دینی بزرگ بین اهل بیت و اصحاب را که در عصر طلایی تاریخ اسلامی باعث ایجاد خویشاوندی و همبستگی بزرگ اجتماعی در میان مسلمانان شد فراموش کردند.

موضوعی که اهل بیت و اصحاب پیامبر خدا ﷺ را از دشمنی‌های دروغینی که بین آنها نقل کرده‌اند تبرئه کرده و دوستی و خویشاوندی را بین آنها اثبات می‌کند. آن دشمنی‌هایی که براساس آنها امت اسلامی به فرقه‌های تکفیرکننده هم تبدیل شد.

لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

از خداوند دادخواهی می‌کنیم و نسبت به آنچه می‌گویند تنها از او طلب کمک می‌نماییم.

از امروز به بعد که دلیل‌های قاطع داخل این رساله را درباره این خویشاوندی که از مصادر واقعی و معتمد از هر طرف گرفته شده است، مشاهده می‌کنیم، هیچ عذری برای هر یک از ما باقی نمی‌ماند.

لذا ما از مؤلف عزیز که سخنان گران‌بها را در این رساله درباره خویشاوندی بین اهل بیت و اصحاب گرامی گردآوری نمود و صمیمیت را در بین آنها ثابت کرد تشکر و قدردانی می‌نماییم و البته این امر در بین اهل مصر امر غریبی نیست.

ما در اینجا بر هر فرد مسلمان که از محتوای مهم این کتاب اطلاع پیدا می‌کند اقامه حجت می‌کنیم و از خداوند می‌خواهیم مسلمانان را بر راه حق و بر محبت و ولاء کامل

با اهل بیت و اصحاب پیامبر خدا ﷺ و بر برائت از کسانی که عمداً یا غیر عمد به آنان توهین می‌کنند جمع کند.

و ما را همراهشان در زیر پرچم خاتم انبیاء حضرت محمد ﷺ محشور نماید که پیشاپیش همه عشره مبشره، امهات المؤمنین و دو جوان گرانقدر بهشت و سایر اصحاب و اهل بیت در معیت صدیقین، شهداء و صالحین قرار دارند.

الذین أنعم الله عليهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن أولئک رفیقاً.

«و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین» «ناشر»

مقدمه مؤلف

الحمد لله كما ينبغي لجلال وجهه و عظيم سلطانه أحمده حمداً طيباً مباركاً دائماً و أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، و أشهد أن محمداً عبده و رسوله أصلي و أسلم عليه و على أهله و صحبه و من تبع هداه إلى يوم الدين و بعد

خداوند می فرماید :

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ ۖ وَالْأَرْحَامَ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ (نساء : ۱)

«ای مردم از (عذاب) پروردگارتان بپرهیزید کسی که شما و زوجتان را از یک نفس (یک جنس) آفرید و از آن دو مردان و زنان زیادی روی زمین منتشر ساخت و از (عذاب) خدا بپرهیزید کسی که همدیگر را به او سوگند می دهید و از (قطع ارتباط با) ارحام پرهیز کنید. همانا خداوند مراقب شما است.»

حکمت خداوند اقتضا کرد تا از گل بشر را بیافریند و پیوند خویشاوندی و فامیلی بین آنان قرار دهد تا مردمی که همه از نسل آدم علیه السلام هستند همدیگر را بشناسند. لذا اصحاب از طائفه های بنی هاشم ، آل عقیل ، آل عباس ، آل علی ، آل جعفر و غیره با اصحاب دیگر پیوند خویشاوندی برقرار نمودند با زنان آنان ازدواج کردند و زنانشان را به عقد آنها در آوردند.

مادام که باعث جمع شدن آنها اسلام است ، این امر موجب احساس خواری و کاستی یا تکبر و غرور نخواهد شد. و محبت و مودتی که به خاطر خدا باشد در خون و رگ انسان ساری و جاری است. اما عده ای که خود را به اسلام منتسب می کنند

علماء‌شان راه دیگری را در پیش گرفته‌اند، آنها بسیاری از خویشاوندی و ازدواج‌های بین اهل بیت و اصحاب پیامبر ﷺ را انکار می‌کنند، تا به پیروانشان چنین القاء کنند که عداوت و دشمنی بین این دو گروه هنوز پابرجا است. این گونه علماء در قول خود بر دلیل‌های واهی و بدون اصل و اساس اعتماد می‌کنند.

این انکار را ابتدا شیخ مفید (ت ۴۱۳ هـ) شروع کرد. او در کتابش «المسائل السرویه» ازدواج عمر بن خطاب با أم کلثوم دختر علی بن ابی طالب را به دلیل اینکه از طریق زبیر بن بکار روایت شده است انکار می‌کند. او می‌گوید چون او از نزدیکان زبیر است، و دشمنی زبیری‌ها و طالبی‌ها (همان‌طور که مفید ادعا می‌کند) معلوم است. بعد از شیخ مفید علمای شیعه راههای مختلفی را در انکار بسیاری از این ازدواج‌ها طی کرده‌اند که ما در کتاب «زواج عمر بن خطاب من أم کلثوم بنت علی حقیقه و لیس افتراء» مفصلاً آنها را رد داده‌ایم شما می‌توانید به آن مراجعه کنید.

ولی علماء معاصر شیعه امامیه که از مصادر و منابع اصیل و اساسی و مراجع مختلف و کتب علم انساب که خود علماء شیعه در گذشته آنها را تصنیف، تحقیق و چاپ نموده‌اند غافلند یا خود را به غفلت زده‌اند و از برخی علمای قبل از خود تقلید کردند لذا بسیاری از این ازدواج‌ها را انکار نمودند.

یکی از این علمای معاصر علی محمد علی دخیل در کتابش «سکینه بنت الحسین» و محسن باقرالموسوی در کتابش «بنت الحسین» و شیخ محمدرضا الحکیمی در کتابش «أعیان النساء» و چندین عالم دیگر از آنها ازدواج فاطمه دختر حسین با عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان را انکار نموده‌اند. در صورتی که امثال این ازدواج‌ها در کتب علم انساب تألیف شده توسط علمای شیعه امامیه در گذشته ثبت شده‌اند.

بنابر این مصلحت دیدم ازدواج‌های بین اهل بیت و اصحاب پیامبر ﷺ را جمع‌آوری نمایم و برای اثبات آنها از مصادر و مراجع اصیل شیعه امامیه و کتابهای علمای انساب استفاده کنم تا جای هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای باقی نماند.

مهمترین این مراجع عبارتند از :

۱- عمد الطالب فی أنساب آل ابی طالب، ابن عنبه (ت ۸۲۸ هـ) او از نسب شناسان شیعه است.

۲- الأصيل فی أنساب الطالبین، ابن الطقطقی (ت ۷۰۹ هـ) او نیز از نسب شناسان شیعه است.

او این کتاب را به اصیل‌الدین بن نصیرالدین طوسی تقدیم کرده است و مهدی رجایی بر اساس نسخه خطی آن، آنرا تحقیق کرده است. و استاد او آیت الله العظمی نجفی مرعشی مدام او را به این نسخه توصیه می‌کرد و این کتاب در کتابخانه مرعشی موجود است. تمام افرادی که در تهیه و چاپ کتاب مذکور نقش داشته اند از جمله مصنف، محقق، استادش، نسخه چاپی، کسی که این کتاب به او تقدیم شده است همه از علمای شیعه هستند.

۳- سر ، أبونصر بخاری، او از علمای نسب شناس شیعه است. او در سال (۳۴۱ هـ) در قید حیات بود.

۴- الإرشاد، شیخ مفید، او یکی از علمای بزرگ شیعه است و نیازی به معرفی ایشان یا مذهبشان نیست. (ت ۴۱۳ هـ)

۵- منتهی الآمال، شیخ عباس قمی از علمای بزرگ شیعه که کتابی درباره کینه و القاب دارد.

۶- تراجم أعلام النساء، محمدحسین أعلمی حائری.

۷- کشف فی ، أربلی.

- ۸- الأنوار النعما ، نعمت الله جزائری (ت ۱۱۱۲ هـ).
 - ۹- أعيان النساء، شیخ محمدرضا حکیمی، چاپ مؤسسه‌ الوفاء، بیروت ۱۴۰۳ هـ ، ۱۹۸۳ م.
 - ۱۰- تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی‌ یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح، چاپ چاپخانه صعب و صادره از بیروت.
 - ۱۱- و کتاب‌های معتمد دیگر از علم انساب مانند : «أنساب الأشراف» بلاذری و «نسب قریش» مصعب الزبیری و «مقاتل الطالبین» ابوالفرج اصفهانی و کتاب‌های زیاد دیگری از علمای انساب و تاریخ شناس شیعه ی امامیه و از سایر علمای انساب به طور عموم استفاده شده است.
- و مناسب دیدم که در کنار این ازدواج‌ها اسم پسران اهل بیت و کنیه و القاب آنها را نیز اضافه کنم تا خواننده ی گرامی را به حقایق جانبی برساند که موردتوجه قرار نگرفته‌اند.
- خواننده ی محترم ملاحظه خواهد کرد که خانه‌ای از اهل بیت از نام‌های ابوبکر، عمر، عثمان و عائشه به خاطر محبت و احترام به آنها، خالی نبوده است و تمام این اسم‌ها از مصادر اصیل شیعه امامیه به ثبت رسیده‌اند.
- خواننده ی گرامی! اکنون مذهب و تعصبات را کنار بگذارید و با دیده ی بصیرت و عقل قبل از هر چیز به مسائل بنگرید تا حقایق برایتان روشن گردد.
- پروردگارا! این کار را تنها به خاطر تو انجام دادم پس آن را از من بپذیر و برایم آسان کن و از جمله کارهای نیکم قرار ده و مرا یاری کن، همانا تو بهترین مولی و یاری‌دهنده هستی.
- و آخرین دعای ما این است که حمد و سپاس ویژه ی پروردگار جهانیان است.
- سید بن احمد بن ابراهیم از سرزمین کنانه (مصر)
 ۷ صفر ۱۴۲۳ هـ ۲۰ مصادف با آوریل ۲۰۰۲ م

اسمهایی از اهل بیت علوی و هاشمی که به نام‌های اصحاب پیامبر ﷺ نامگذاری شده‌اند!

ابوبکر

هر انسان عالم و جاهل اعم از شیعه و سنی می‌داند ابوبکر صدیق، اسمش عبدالله و خلیفه پیامبر خدا ﷺ است. لذا هیچ عاقلی شک ندارد هر کس اسم پسرش یا کینه‌ی خودش را ابوبکر بگذارد بخاطر محبت او و سایر اصحاب ﷺ و در رأس آنها ابوبکر صدیق بوده است.

کسانی از اهل بیت که نامشان ابوبکر بوده است:

۱- ابوبکر پسر علی بن ابی طالب

او همراه امام حسین در کربلاء شهید شد و مادرش لیلی دختر مسعود النهشلیه است. «الارشاد» شیخ مفید (ص ۱۸۶-۲۴۸)، تاریخ یعقوبی فی اولاد علی و منتهی الآمال شیخ عباس قمی (۲۶۱/۱) او می‌گوید اسمش محمد و کینه‌اش ابوبکر است «و محمد یکنی بابی بکر ...» (۵۴۴/۱). «بحار الانوار مجلسی» (۱۲۰/۴۲).

۲- ابوبکر پسر حسن بن علی بن ابوطالب

او همراه عمویش حسین در کربلاء شهید شد. شیخ مفید در «الارشاد» (ص ۲۴۸) نام او را جزو کشته شدگان کربلاء ذکر کرده است. «تاریخ یعقوبی فی اولاد الحسن» و «منتهی الآمال» شیخ عباس قمی (۵۴۴/۱) در باب استشهاد فتیان بنی هاشم فی کربلاء.

۳- ابوبکر علی زین العابدین

کینه علی زین العابدین بن حسین ابوبکر بوده است. بسیاری از علماء شیعه امامیه آن را ذکر کرده‌اند به کتاب «الانوار النعمانیه» جزائری مراجعه شود.

۴- ابوبکر علی‌الرضا پسر موسی کاظم پسر جعفر صادق

کنیه امام رضا ابوبکر بوده است. این موضوع را نوری طبرسی در کتابش «النجم الثاقب فی القاب و اسماء الحجّه الغائب» آورده است. او در این کتاب می‌گوید: «۱۴- ابوبکر و همی احدی کنی الامام رضا کما ذکرها ابوالفرج الاصفهانی فی مقاتل الطالبین». «۱۴- یکی از کنیه‌های امام رضا ابوبکر است که ابوالفرج اصفهانی در مقاتل الطالبین آنرا ذکر کرده است».

۵- ابوبکر محمد مهدی منتظر بن حسن عسکری

یکی از اسم‌های مهدی منتظر که شیعه معتقد است بیش از (۱۱۰۰) سال پیش به دنیا آمده ابوبکر است. این موضوع را نوری طبرسی در کتابش در لقب شماره ۱۴ ذکر کرده است.

این سؤال مطرح است که چرا مهدی منتظر شیعه امامیه به ابوبکر ملقب و یا کنیه‌دار می‌شود؟!.

۶- ابوبکر بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب

صاحب «انساب الاشراف» (ص ۶۸) می‌گوید: «عبدالله پسر جعفر بدینا آمد و ابوبکر همراه حسین کشته شد و مادرشان الخوصاء از قبیله ی ربیعہ می باشد» و خلیفه بن خیاط در تاریخش (ص ۲۴۰) در بحث نام کسانی از بنی‌هاشم که در معرکه حرّه کشته شده‌اند نام او را ذکر نموده است.

عمر

بی‌شک یکی از اصحاب پیامبر ﷺ، عمر بن خطاب بوده است و هر کس این نام را برگزیند به خاطر به فال نیک گرفتن عمر بن خطاب است.

(کسانی که نامشان عمر بوده است.)

۱- عمر الاطرف پسر علی بن ابی طالب

مادرش ام حبیب الصهباء التغلبیه از اسیران جنگ با مرتدان است. نگا : «سر السلسله العلویه» ابونصر بخاری شیعی (ص ۱۲۳) در بحث نسب عمر الاطرف و «منتهی الامال» عباس قمی (۲۶۱/۱) او می گوید : «عمر و رقیه کبری با هم دوقلو بوده اند» و «بحار الانوار» مجلسی (۱۲۰/۴۲).

۲- عمر پسر حسن بن علی بن ابی طالب

مادرش ام الولد بود که با عمویش حسین در کربلا شهید شد. «عمده الطالب» ابن عنبه حاشیه ص ۱۱۶، تاریخ یعقوبی ص ۲۲۸ در بحث اولاد حسن. یعقوبی در تاریخش می گوید : «حسن هشت پسر به نام های حسن، زید، عمر، قاسم، ابوبکر، عبدالرحمن از مادران متفاوت و طلحه و عبدالله داشت».

۳- عمر الاشرف پسر علی زین العابدین بن الحسین

مادرش ام الولد و لقبش الاشرف بود چون عمر پسر علی بن ابی طالب لقبش الاطرف بود. «الارشاد» شیخ مفید (ص ۲۶۱) و «عمده الطالب» ابن عنبه (ص ۲۲۳). ملقب به الاشرف شد چون از حسین و حسن بود اما عمر الاطرف از یک طرف و آن هم پدرش علی بن ابی طالب بود.

۴- عمر پسر یحیی بن حسین بن زید شهید بن علی بن حسین بن ابی طالب

ابن عبیدالله بن اسماعیل بن عبدالله بن جعفر طیار (ص ۳۵۹) نام او را ذکر کرده است.

۵- عمر پسر موسی کاظم بن جعفر صادق

ابن الخشاب در بحث فرزندان موسی کاظم نام او را آورده است او چنین می گوید :
 «بیست پسر که عمر و عقیل در میان آنها بود و هجده دختر» به کتاب «تواریخ البنی و
 الآل» محمدتقی تستری مراجعه شود.

عثمان

خلیفه سوم عثمان بن عفان ذوالنورین همسر دو دختر پیامبر خدا ﷺ رقیه و ام کلثوم
 شهید بود.

کسانی که نامشان عثمان بود عبارتند از :**۱- عثمان پسر علی بن ابی طالب**

او در کربلا همراه حسین و مادرش ام البنین دختر حزم وحیدیه کلابیه شهید شد.
 «الارشاد» شیخ مفید (ص ۱۸۶-۴۲۸) و «اعیان النساء» شیخ محمدرضا الحکیمی (ص
 ۵۱) و «تاریخ الیعقوبی» در بحث اولاد علی و «منتهی الآمال» (۵۴۴/۱) و التستری فی
 تواریخ النبی و الآل (ص ۱۱۵) در بحث فرزندان امیرالمؤمنین.

۲- عثمان پسر عقیل بن ابی طالب

بلاذری در «انساب الاشراف» (ص ۷۰) می گوید : «از جمله پسران عقیل ... عثمان
 است»

عائشه

عائشه دختر ابوبکر صدیق و همسر حضرت محمد ﷺ است. در میان اهل بیت
 ملاحظه می شود اگر یکی از آنها پسران زیاد ولی تنها یک دختر داشت و نام او را عائشه
 می گذاشت. قطعاً او با رغبت فراوان تنها دخترش را به نام عائشه نام گذاری می کرد!!؟
 حال اگر علمای شیعه جوابی دارند آن را ابراز کنند.

پروردگارا راه درست را به ما الهام کن.

(کسانی که اسمشان عائشه است عبارتند از :)

۱- عائشه دختر موسی کاظم بن جعفر صادق

او از دختران موسی کاظم است این امر را بسیاری از علماء شیعه از جمله شیخ مفید در «الارشاد» (ص ۳۰۳) و ابن عنبه در «عمده الطالب» حاشیه (ص ۲۶۶) و نعمه الله جزائری در «الانوار النعمانیه» (۳۸۰/۱) ذکر کرده اند.

می گویم : دلیل محبت بیش از حد اهل بیت به ام المؤمنین عائشه این است که موسی کاظم هفتاد و سه پسر و فقط یک دختر داشت که نام او را عائشه گذاشت.

صاحب «انوار النعمانیه» (۳۸۰/۱) می گوید : «تعداد فرزندان او هفتاد و سه پسر و یک دختر است : امام رضا و ... و ... و عائشه».

گرچه در تعداد اولاد او اختلاف وجود دارد اما آنچه مورد اتفاق است این است که دختری به نام عائشه داشته است. ابونصر بخاری می گوید : «موسی کاظم هجده پسر و بیست و دو دختر داشته است» «سر السلسله العلویه» (ص ۵۳).

تستری در تواریخ النبی و الآل اسم هفده دختر را آورده است «فاطمه کبری، فاطمه صغری، رقیه، رقیه صغری، حکیمه، ام اییها، ام کلثوم، ام سلمه، ام جعفر، لبانه، علیه، آمنه، حسنه، بریهه، عائشه، زینب و خدیجه» تواریخ النبی و الآل (ص ۱۲۵-۱۲۶).

۲- عائشه دختر جعفر بن موسی کاظم بن جعفر صادق

عمری در المجدی می گوید : «به پسر جعفر بن موسی کاظم بن جعفر صادق الخواری گفته می شود. او و هشت دختر از یک ام ولد هستند. آنها عبارتند از : حسنه، عباسه، عائشه، فاطمه کبری، فاطمه صغری، اسماء، زینب، ام جعفر ...».

«سر السلسله العلویه» (ص ۶۳) حاشیه محقق»

۳- عائشه دختر علی‌الرضا بن موسی کاظم

ابن خشاب در کتابش «موالید اهل‌البیت» می‌گوید: «امام رضا پنج پسر و یک دختر داشت به نام‌های؛ محمد قانع، حسن، جعفر، ابراهیم، حسین، که دخترش عائشه نام داشت. «تواریخ‌النبی و الآل» (ص ۱۲۸).

۴- عائشه دختر علی‌الهادی بن محمد جواد بن علی‌الرضا

شیخ مفید در «الارشاد» (ص ۳۳۴) می‌گوید: «او چند پسر به نام‌های ابو محمد حسن که بعد از او امام شد، حسین، محمد و جعفر و دخترش عائشه نام داشت».

طلحه

کسانی که نامشان طلحه بود:

۱- طلحه پسر حسن بن علی بن ابی طالب

یعقوبی در تاریخش او را یکی از فرزندان حسن نام برده است. (ص ۲۲۸) و همچنین تستری در تواریخ‌النبی و الآل (ص ۱۲۰).

معاویه

(کسانی که نامشان معاویه بود):

۱- معاویه پسر عبدالله بن جعفر بن ابی طالب

عبدالله یکی از فرزندانش را معاویه (به اسم معاویه بن ابی سفیان) نام نهاد. نگا: انساب‌الاشراف (ص ۶۰-۶۸) و «عمده‌الطالب» ابن عنبه (ص ۵۶).

ازدواج‌های بین اهل بیت و اصحاب پیامبر ﷺ

ازدواج‌های اهل بیت و خانواده ابوبکر صدیق

۱- ازدواج حضرت محمد ﷺ با عائشه دختر ابوبکر

این ازدواج را هیچ‌یک از علماء شیعه امامیه انکار نکرده‌اند هر چند آنها علیه عائشه زیاد سخن می‌گویند و هیچ عالم قدیم یا جدیدی یافت نمی‌شود که از او راضی باشد برخلاف اتهامی که به او می‌زنند. (زیرا همه آن را نمی‌پذیرند) همچنان که قمی و علماء دیگر از شیعه امامیه بیان کرده‌اند.

۲- ازدواج موسی جون بن عبدالله محض بن حسن مثنی بن حسن بن علی بن ابی طالب

با ام سلمه دختر محمد بن طلحه بن عبدالله

در این ازدواج از ام سلمه عبدالله متولد شد. نگا: «تراجم اعلام النساء» (ص ۲۷۳) و «سر السلسله العلویه» ابونصر بخاری (ص ۲۰) و «عمده الطالب» ابن عنبه (ص ۱۳۴).
ام سلمه دختر عائشه بنت طلحه بن عبدالله و مادرش ام کلثوم دختر ابوبکر صدیق است.

۳- ازدواج اسحاق پسر جعفر بن ابی طالب با ام حکیم دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر

صدیق و خواهر ام فروه

نگا: «تراجم اعلام النساء» محمد اعلمی حائری (ص ۲۶۰).

۴- ازدواج محمدباقر بن علی زین‌العابدین بن حسین با ام فروه بنت قاسم بن محمد بن

ابی بکر صدیق

حاصل این ازدواج جعفر صادق بود.

نگا : «الارشاد» شیخ مفید (ص ۲۷۰) و «تراجم اعلام النساء» محمد اعلمی حائری (ص ۲۷۸) و «عمده الطالب» ابن عنبه (ص ۲۲۵) و «الاصیلی» ابن طقطقی (ص ۱۴۹) و مقاله مشهود امام جعفر صادق به نام «ولدنی ابوبکر مرتین». به جعفر صادق گفته می‌شد «عمودالشرف».

اما اینکه گفته است : «ولدنی ابوبکر مرتین» «ابوبکر مرا دوبار به دنیا آورده است» بدین دلیل است که مادرش ام فروه بنت قاسم بن محمد بن ابوبکر صدیق است و دوباره مادر ام فروه اسماء دختر عبدالرحمان بن ابوبکر است. پس ای خواننده گرامی به دقت نگاه کن که چگونه با خانواده ابوبکر صدیق پیوند خویشاوندی برقرار کرده‌اند.

۵- ازدواج حسن بن علی بن ابی طالب با حفصه دختر عبدالرحمن بن ابوبکر
نگا : «تواریخ النبى و الال» التستری (ص ۱۰۷) در بحث همسران امام حسن.

ازدواج‌های بین اهل بیت و آل زبیر

۱- ازدواج صفیه دختر عبدالمطلب عمه پیامبر ﷺ با عوام بن خویلد.
ثمره این ازدواج زبیر بن عوام بود. همه کتب مراجع و کتب انساب این ازدواج را به ثبت رسانده و هیچکدام از مورخین و علماء انساب آن را انکار نکرده‌اند.

۲- ازدواج ام‌الحسن دختر حسن بن علی بن ابی طالب با عبدالله بن زبیر بن عوام
نگا : «منتهی الآمال» عباس قمی (ص ۳۴۱) و «عمده الطالب» ابن عنبه (ص ۲۸۸) و «تراجم اعلام النساء» محمدحسین اعلمی حائری (ص ۳۴۶) و «المجدی» ابوالحسن العمری و از علماء انساب البلاذری در «انساب الاشراف» (۱۹۳/۲) و مصحح الزبیری در «نسب قریش» (ص ۵۰).

۳- ازدواج رقیه دختر حسن بن علی بن ابی طالب با عمرو بن زبیر بن عوام
نگا : «منتهی الآمال» عباس قمی (ص ۳۴۲) و «تراجم اعلام النساء» الاعلمی (ص ۳۴۶) و «المجدی» ابوالحسن العمری و «عمده الطالب» ابن عنبه (ص ۸۸) و «نسب قریش» مصعب الزبیری (ص ۵۰) از علماء علم انساب.

۴- ازدواج ملیکه دختر حسن بن علی بن ابی طالب با جعفر بن مصعب بن زبیر
از این ازدواج دختری به نام فاطمه بدنیا آمد.
نگا : «نسب قریش» مصعب الزبیری (ص ۵۳).

۵- ازدواج موسی بن عمر بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب با عبیده دختر زبیر بن هشام بن عروه بن زبیر بن عوام
از این ازدواج عمر درج، زینب و صفیه بدنیا آمدند.
نگا : «نسب قریش» مصعب الزبیری (ص ۷۲).

۶- ازدواج جعفر اکبر بن عمر بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب با فاطمه دختر عروه بن زبیر بن عوام
از این ازدواج پسری به نام علی بدنیا آمد.
نگا : «نسب قریش» مصعب زبیری (ص ۷۲).

۷- ازدواج عبدالله بن حسین بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب با ام عمرو، دختر عمرو بن زبیر بن عروه بن عمر بن زبیر
از این ازدواج جعفر و فاطمه بدنیا آمدند.
نگا : «نسب قریش» مصعب الزبیری (ص ۷۳-۷۴)

۸- ازدواج محمد بن عوف بن علی بن محمد بن علی بن ابی طالب با صفیه دختر محمد بن مصعب بن زبیر

از این ازدواج دو فرزند به نام‌های : علی و حسنه بدنیا آمدند.
نگا : «نسب قریش» مصعب الزبیری (ص ۷۷).

۹- ازدواج دختر قاسم بن محمد بن جعفر بن ابی طالب با حمزه

پسر عبدالله بن زبیر بن عوام.
نگا : «نسب قریش» مصعب الزبیری (ص ۸۲).

۱۰- ازدواج محمد بن عبدالله نفس الزکیه بن حسن المثنی بن الحسن بن علی بن ابی طالب با فاخته دختر فلیح بن محمد بن المنذر بن زبیر

از این ازدواج طاهر بدنیا آمد «سر السلسله العلویه» ابونصر بخاری (ص ۱۸) از علماء انساب شیعه.

۱۱- ازدواج حسین اصغر پسر علی زین العابدین بن حسین با خالده دختر حمزه بن مصعب بن زبیر بن عوام

«تراجم اعلام النساء» شیخ محمدحسین اعلمی از علماء انساب شیعه (ص ۳۶۱).

۱۲- ازدواج سکینه دختر حسین بن علی بن علی بن ابی طالب با مصعب بن زبیر بن عوام

نگا : «عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب» ابن عنبه (ص ۱۱۸) (تولد ۸۲۸ هـ) و «الاصیلی فی انساب الطالبین» ابن الطقطقی (ص ۶۵-۶۶). (تولد : ۷۰۹ هـ)
این دو مرجع از بزرگترین مراجع شیعه در علم انساب هستند.

۱۳- ازدواج حسین بن حسن بن علی بن ابی طالب با امینه دختر حمزه بن منذر بن زبیر بن عوام

ابونصر بخاری یکی از علماء بزرگ شیعه در علم انساب در «سر السلسله العلویه» (ص ۱۰۳) می گوید : فرزندان حسین بن حسن عبارتند از : محمد، علی، حسن و فاطمه که مادرشان امینه دختر حمزه بن منذر بن زبیر است.

۱۴- ازدواج علی الخرزى پسر حسن بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب با فاطمه دختر عثمان بن عروه بن زبیر بن عوام

ابونصر بخاری در «سر السلسله العلویه» (ص ۱۰۲) می گوید : علی پسر حسن بن علی معروف به خرزى از فاطمه دختر عثمان بن عروه بن زبیر بن عوام صاحب پسری به نام حسن شد.

ازدواج های بین اهل بیت و آل خطاب از فرزندان عدی

۱- ازدواج پیامبر خدا ﷺ با حفصه دختر عمر بن خطاب

هیچ یک از علماء شیعه امامیه این ازدواج را انکار نکرده اند گرچه آنها سب و لعن و طعن نثار او و ام المؤمنین عائشه می کنند.

۲- ازدواج حسن الافطس پسر علی بن علی زین العابدین بن حسین با دختر خالد بن ابوبکر بن عبدالله بن عمر بن خطاب

نگا : «عمده الطالب» ابن عنیه (ص ۳۳۷) و «تراجم اعلام النساء» (ص ۳۶۱).

۳- ازدواج حسن‌المثنی پسر حسن بن علی بن ابی‌طالب با رمله دختر سعید بن زید بن نفیل‌العدوی

از این ازدواج محمد، رقیه و فاطمه به دنیا آمدند. «عمده‌الطالب» ابن عنبه (ص ۱۲۰) در حاشیه.

ازدواج‌های بین اهل بیت و بنی تیم

۱- ازدواج حسن بن علی بن ابی‌طالب با ام اسحاق طلحه بن عبیدالله التیمی

از این ازدواج فاطمه، ام عبدالله، طلحه بن حسن به دنیا آمدند.

نگاه : «الارشاد» (ص ۱۹۴) و «منتهی الآمال» (ص ۶۵۱- فصل ۱۲ در بیان اولاد حسین) و «کشف‌الغمه فی معرفه‌الائمه» (۲-۵۷۵ - بحث اولاد حسن) و «الانوار النعمانیه» جزائری (۳۷۴/۱) او می‌گوید : حسین اثرم پسر حسن و طلحه و فاطمه مادرشان ام اسحاق دختر طلحه بن عبیدالله التیمی است.

۲- ازدواج حسین بن علی بن ابی‌طالب با ام اسحاق دختر طلحه بن عبیدالله تیمی

امام حسن قبل از مرگش به او وصیت کرد تا با ام اسحاق ازدواج کند از این ازدواج فاطمه به دنیا آمد.

نگاه : «الارشاد» (ص ۱۹۴) و «منتهی الآمال» (ص ۶۵۱- فصل ۱۲ بحث فرزندان حسین) و «الانوار النعمانیه» جزائری (۳۷۴/۱) او می‌گوید : «و فاطمه دختر حسین که مادرش ام اسحاق دختر طلحه بن عبیدالله است».

ازدواج‌های بین اهل بیت و بنی امیه

۱- ازدواج رقیه و ام‌کلثوم دو دختر پیامبر ﷺ با عثمان بن عفان

هیچکدام از علماء شیعه امامیه این ازدواج را انکار نکرده‌اند. با این وجود عثمان بن عفان را طعن و لعن می‌کنند و معتقدند این ازدواج از قبیل اظهار اسلام با کفر پنهان است. نگا : «المسائل السرویه» شیخ مفید. آنها معتقدند رقیه بر اثر شدت ضربه عثمان به قتل رسیده است. اما اگر چنین است چرا پیامبر ﷺ دوباره ام‌کلثوم را به عقد او درآورد؟!

۲- ازدواج زینب دختر پیامبر ﷺ با ابوالعاص بن ربیع

ابوالعاص بن ربیع پسرخاله زینب و مادرش هاله دختر خویلد است. از این ازدواج دختری به نام امامه به دنیا آمد که علی بن ابی طالب بعد از وفات فاطمه زهرا با او ازدواج کرد و هیچکدام از علماء شیعه امامیه آنها را انکار نکرده‌اند.

۳- ازدواج علی پسر حسن بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب با رقیه دختر عمر العثمانيه

او قبلاً همسر مهدی بن منصور بود. لذا هادی از ازدواج علی بن حسن با او راضی نبود و او را امر کرد تا رقیه را طلاق بدهد. اما علی بن حسن امتناع کرد و گفت : مهدی پیامبر خدا نیست تا همسران او بر ما حرام باشند و همچنین مهدی از من شریف‌تر نیست. «سر السلسله العلویه» (ص ۱۰۳).

۴- ازدواج علی بن ابی طالب با امامه دختر عاص بن ربیع که شرح آن گذشت.

۵- ازدواج خدیجه دختر علی بن ابی طالب با عبدالرحمن بن عامر بن کریم اموی

نگا : «عمده الطالب» ابن عنبه (ص ۸۳ - در حاشیه) به نقل از «المجدی» ابوالحسن عمری از علماء شیعه در علم انساب و «تراجم اعلام النساء» (ص ۳۴۵) و «جمهره انساب العرب» ابن حزم (ص ۶۸) و در «عمده الطالب» آمده است عبدالرحمن بن عامر اموی (بدون ذکر نام کریم) با او ازدواج کرد.

۶- ازدواج رمله دختر علی بن ابی طالب با معاویه بن مروان بن حکم

نگا : «نسب قریش» (ص ۴۶) و «جمهره انساب العرب» (ص ۸۷) در آن آمده است : رمله همسر ابوالهیاج هاشمی یا عبدالله بن ابی الحارث بن عبدالمطلب بود. او فرزندی را برایش به دنیا آورد که بعد از فوت عبدالله بن سفیان بن حارث، معاویه بن مروان بن حکم با او ازدواج کرد.

۷- ازدواج زینب دختر حسن المثنی بن حسن بن علی بن ابی طالب با ولید بن عبدالملک بن مروان

«نسب قریش» (ص ۵۲) و «جمهره انساب العرب» (ص ۱۰۸).

۸- ازدواج نفیسه دختر زید بن حسن بن علی بن ابی طالب با ولید بن عبدالملک بن مروان

نگا : «عمده الطالب» (ص ۶۱ و ۹۰)

۹- ازدواج ام ابیها دختر عبدالله بن جعفر بن ابی طالب با عبدالملک بن مروان

صاحب «انساب الاشراف» (ص ۵۹-۶۰) می گوید : «عبدالله دختری به نام ام ابیها داشت که عبدالملک بن مروان با او ازدواج کرد».

و گفته شده که نامش ام‌کلثوم بود که با عبدالملک ازدواج کرد و او را طلاق داد و به عقد ابان بن عثمان بن عفان درآمد. اما قولی دیگر می‌گوید هر دو وجود داشته‌اند که ام ابیها را عبدالله سپس علی بن عبدالله بن عباس به عقد خود درآوردند.

محمد حکیمی در «اعیان النساء» (ص ۱۲۰) می‌گوید: «عبدالملک بن مروان در دمشق با او ازدواج کرد و او را طلاق داد سپس علی بن عبدالله بن عباس او را به عقد خود درآورد و نزد او به رحمت ایزدی پیوست».

در «تاریخ یعقوبی» (ص ۳۲۲) آمده است: «علی بن عبدالله بن عباس بیست و دو فرزند داشت که عبدالله اکبر از ام ابیها دختر عبدالله بن جعفر بن ابی طالب متولد شد».

۱۰- ازدواج فاطمه دختر حسین بن علی بن ابی طالب با عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان

از او محمد دیباج به دنیا آمد. که در سال ۱۴۵ هـ در زندان منصور دوانیقی با سایر برادرانش از جمله عبدالله محض و حسن المثلث از اهل بیت به قتل رسیدند. فاطمه قبل از او همسر حسن المثنی بود که عبدالله محض و حسن المثلث و ابراهیم الغمر را برایش به دنیا آورد.

علماء شیعه از این ازدواج خود را غافل کرده‌اند و یا برخی از آنها آنرا انکار می‌کنند مانند: علی محمد علی دخیل در کتابش فاطمه دختر حسین چنین به نظر می‌رساند که او جز با حسن المثنی بن حسن بن علی بن ابی طالب ازدواج نکرده است.

و همچنین از جمله کسانی که این نکاح را به فراموشی سپرده‌اند شیخ محمدرضا حکیمی است. او در کتابش «اعیان النساء عبرالعصور المختلفه» درباره فاطمه دختر حسین شهید و ازدواجش با حسن المثنی و تولد فرزندانش و همچنین زندانی کردن آنها توسط منصور دوانیقی و به قتل رساندن آنها توضیح می‌دهد. اما او به قتل رسیدن

برادرشان محمد دیباج پسر عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان را همراه آنها ذکر نکرده است.

با وجود این، همه علماء شیعه امامیه اقرار می‌کنند که مادر فاطمه دختر حسین ام اسحاق دختر طلحه بن عبیدالله است. و ام اسحاق همسر حسن بن علی نیز بوده است که فرزندی برایش به دنیا آورد.

امام حسن به برادرش حسین وصیت کرد بعد از مرگش با او ازدواج کند و حسین نیز با او ازدواج کرد و دختری به نام فاطمه برایش به دنیا آورد که در بسیاری از مراجع و مصادر مسطور است از جمله مصادر شیعه امامیه مانند: «الارشاد» شیخ مفید (ص ۱۹۴) و «الانوار النعمانیه» نعمه‌الله جزائری (۳۷۴/۱) و «متهی‌الآمال» عباس قمی (ص ۶۵۱- فصل ۱۲، بحث فرزندان حسین) و «تاریخ یعقوبی» (۳۷۴/۱- بحث زندگی فاطمه دختر حسین) و «الاصیلی» (ص ۶۵-۶۶) و «عمده الطالب» (ص ۱۱۸).

و کتب علم نسب مانند: انساب الاشراف (۶۰۷/۴) و «جمهره انساب العرب» (۴۱- ۸۳) و «نسب قریش» (ص ۵۱).

فاطمه دختر حسین در سال ۱۱۷ هـ فوت کرد همان سالی که خواهرش سکینه دختر حسین و فاطمه کبری دختر علی بن ابی طالب فوت کردند.

شاید خواننده گرامی مشتاق باشد تردیدش را شفا دهد و نصوص صریح از مصادر شیعه امامیه را درباره ازدواج فاطمه دختر حسین با عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان عیناً ببیند.

پس عین عبارات را نقل می‌کنم:

- ۱- ابن طقطقی (ت ۷۰۹) یکی از علماء بزرگ علم انساب شیعه امامیه در کتابش «الاصیلی فی انساب الطالبین» درباره این ازدواج می‌گوید: «خلف فاطمه بنت الحسین عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان فولدت له»

«بعداً فاطمه دختر حسین با عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان ازدواج کرد و از او صاحب فرزند شد».

۲- ابن عنبه (ت ۸۲۸) از علماء بزرگ علم انساب از شیعه امامیه در کتابش «عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب» (ص ۱۸۸) محقق کتاب درباره این ازدواج در حاشیه آن می گوید: «فاطمه بعد از حسین المثنی با عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان اموی ازدواج کرد ... و از او صاحب چند فرزند به نام های محمد مقتول، برادرش عبدالله بن حسن (که به او دیباج گفته می شد)، قاسم و رقیه شد. «عمده الطالب» (ص ۱۱ حاشیه).

خلاصه اینکه ازدواج فاطمه دختر حسین با عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان در مصادر شیعه امامیه و اهل سنت وجود دارد و این موضوع در بیست و هفت مرجع که سه تای آنها از مراجع شیعه امامیه هستند ذکر شده است.

این سه مرجع عبارتند از: «الاصیلی فی انساب الطالبین» ابن الطقطقی (ص ۶۵-۶۶)، «عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب» ابن عنبه (ص ۱۸۸) و «تاریخ یعقوبی» (۳۷۴/۲). و مراجع دیگر از کتب تاریخ و انساب که به آنها اشاره می کنیم «المعارف» ابن قتیبه (ت ۲۷۶ هـ)، «تاریخ اسلام» ذهبی (ت ۷۴۸ هـ) (ص ۴۴۲-۱۲۰-۱۰۱ هـ)، «المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک» ابن الجوزی (ت ۵۹۷ هـ) (۱۸۲/۱۷- شماره ۶۳۰)، «انساب الاشراف» احمد بن یحیی البلاذری (۱۹۸/۲)، «البدایه و النهایه» ابن کثیر (ت ۷۷۴ هـ)، «العقد الفرید» ابن عبد ربّه، «تقریب التهذیب» ابن حجر العسقلانی (۶۰۹-۴۸۲/۲)، «تهذیب التهذیب» ابن حجر (ت ۸۵۲ هـ) (۴۴۲/۱۲- شماره ۲۸۶۳ و ۴۹۶/۱۰ شماره ۸۹۴۸)، «تاریخ دمشق» ابن عساکر (۲۷۲-۲۷۹-۲۸۰)، «نسب قریش» مصعب الزبیری (ت ۲۳۶ هـ) (ص ۵۱)، «الطبقات الکبری» ابن سعد (۴۷۳/۸-۴۷۴)، «تاریخ ابن معین» (۷۳۹/۲)، «الثقات» ابن حبان (۲۱۶/۳)، «المعرفه و التاریخ» (۲۶۵/۳)، «الکامل فی التاریخ»

ابن اثیر (ت ۶۳۰ هـ) (۵۱۸/۵-۵۲۳ و ۲۱۶/۶)، «تهذیب‌الکمال» مزی (ت ۷۴۲ هـ) (۱۱۹۲/۳-۳۹۲)، «الکاشف» ذهبی (۴۳۲/۳ شماره ۱۱۰)، «جامع‌التحصیل» (۳۹۴ شماره ۱۰۳۲)، «خلاصه تهذیب‌التهذیب» (۴۹۴)، «التذکره الحمدونیه» (۴۸۲/۱)، «جمهره‌انساب العرب» ابن حزم (ص ۴۱-۸۳).

آیا بعد از این همه مراجع سخن دیگری وجود دارد؟!

۱۱- ازدواج حسین بن علی بن ابی‌طالب با لیلی یا آمنه دختر ابی‌مرّه

او ثقفی و اموی است. شیخ عباس قمی در «منتهی الآمال» (ص ۶۵۳-۶۵۴) می‌گوید: «یکی از همسران حسین لیلی دختر ابی‌مره بن عروه بن مسعود ثقفی است و مادرش میمونه دختر ابوسفیان و او نیز مادر علی‌اکبر است. پس علی‌اکبر از جهت پدرش هاشمی و از جهت مادرش ثقفی و اموی است.

نگا: «نسب قریش» (ص ۵۷) فصل فرزندان حسین که در آن آمده است «یکی از همسران او لیلی یا آمنه دختر معتب بن عمرو بن سعد بن مسعود بن عوف بن قیس است و مادرش میمونه دختر ابوسفیان بن حرب بن امیه است».

ازدواج‌های بین اهل بیت علوی و اهل بیت عباسی

۱- ازدواج محمد جواد پسر علی الرضا بن موسی کاظم با ام حبیب دختر مأمون عباسی

این ازدواج در آخر صفر سال ۲۰۲ هـ صورت گرفت.

نگا: «تراجم اعلام‌النساء» محمد الاعلمی الحائری (ص ۲۴۹) و «سیره‌الأئمه الاثنی عشر» هاشم معروف الحسینی (ص ۴۰۴-۴۰۵) و «الارشاد» (ص ۳۲۱) که او را ام‌الفضل نام نهاد و «المناقب» ابن شهر آشوب (۲۲۴/۱).

۲- ازدواج فاطمه دختر محمد بن علی النقی بن محمدجواد بن علی الرضا با خلیفه عباسی هارون الرشید

نگا : مراجع شیعه «مناقب آل ابی طالب» (۲/۲۲۴).

۳- ازدواج عبیدالله بن محمد بن عمرالاطرف بن علی بن ابی طالب با عمه ابی جعفر منصور

سن پسر عبیدالله ۵۶ سال بود که دوباره با زینب دختر محمدباقر ازدواج کرد. «سر السلسله العلویه» (حاشیه ص ۱۲۵).

۴- ازدواج ام کلثوم دختر موسی جون بن عبدالله المحض بن حسن بن علی بن ابی طالب با برادرزاده منصور عباسی

محقق کتاب «عمده الطالب» در حاشیه صفحه ۱۳۴ به نقل از کتاب (المجدی للنسابه) ابی الحسن العمری می گوید : «موسی بن عبدالله ملقب به «الجون» دوازده فرزند داشت که نه نفر آنها دختر بودند از جمله ام کلثوم که با برادرزاده منصور عباسی ازدواج کرد. از خواننده گرامی درخواست می شود ازدواج های بین عباسی ها را نیز ملاحظه کند. از خداوند متعال علی و هاب خواستارم رشد و صواب را به ما الهام کند و این کار ما را مورد قبول درگاه خود قرار دهد. براستی او بهترین مولی و یاری دهنده است.

ملحق اول

علمای شیعه امامیه درباره نام مادر امامان با هم اختلاف شدیدی دارند. منظور از علمای شیعه در این رابطه فقهاء و علماء علم نسب است. اما من علت این امر عجیب را نمی‌دانم. جدول زیر حاوی موارد مهمی از این اختلافات است.^۱

نام امام‌ها	نام مادران آنها که در مراجع شیعه وارد شده است
علی زین‌العابدین بن الحسین بن علی بن ابی طالب	شاه زنان دختر یزدگرد بن کسری، شهربانویه، سلافه، سلامه، غزاله، بره خولیه.
مراجع	أصول کافی ۵۳۹/۱ باب مولد علی بن الحسین، نفس‌المهموم ص ۴۷۸-۴۷۹، منتهی‌الآمال ۹/۲، سر السلسله العلویه ۳۱.
امام محمد باقر بن علی بن حسین	فاطمه دختر حسن بن علی بن ابی‌طالب، مادر حسن خوانده می‌شود.
مراجع	كشف الغمه ۳۰۴/۲.
جعفر صادق بن محمد بن علی بن حسین	فاطمه یا ام فروه دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر الصدیق و مادرش أسماء بنت عبدالرحمن بن ابی بکر الصدیق. بدین دلیل جعفر صادق می‌گفت (صدیق دو بار مرا به دنیا آورد) یعنی از طرف مادر.
مراجع	سر السلسله العلویه ص ۳۴، منتهی‌الآمال ۱۶۰/۲، كشف الغمه ۳۱۹/۲-۳۴۱.

۱. شیخ عباس قمی در توضیح نام‌های مادر علی زین‌العابدین می‌گوید: «شاه زنان دختر یزدگرد بن کسری که علی او را شهربانو نام نهاد، ولی اسم اصلی او سلافه یا سلامه بود و نام مادر پسر حسین عزاله یا بره بود که از علی زین‌العابدین نگهداری می‌کرد لذا او را مادرش می‌خواند...». چه انسان عاقلی این توضیح و توجیه را که مادر داغ‌دیده را به خنده می‌اندازد و عروس را می‌گریاند، می‌پذیرد.

<p>موسی کاظم بن جعفر ابن محمد بن علی بن حسین مراجع</p> <p>علی رضابن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین المراجع</p> <p>محمد جواد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین مراجع</p> <p>علی النقی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر صادق مراجع</p> <p>حسن عسکری بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر صادق مراجع</p>	<p>أم ولد حمیده مغربیه یا حمیده بربریه خوانده می شد و یا گفته اند حمیده مصفی از اشراف عجم و منقول است که امام صادق گفته است حمیده پاک شده از ناخالصی ها مانند : شمش طلا. منتهی الآمال ۲/۲۳۹، کشف الغمه ۳/۵، عمدہ الطالب ص ۱۵۶. ام ولد که به او گفته می شد تکتم، خیزران مرسیه و یا گفته اند : شقرآء نوبیه و نام او اروی، و نجمه و سکن و سمانه و ام البنین و خیزران صقر است. سر السلسله العلویه ص ۳۸، کشف الغمه ۳/۵۲، منتهی الآمال ۲/۳۳۴. أم ولد نام او خیزران یا سکینه مرسیه، سبیکه عباس قمی گفته است : «نوبیه از اهل بیت ماریه قبطیه است». سر السلسله العلویه ص ۳۸، کشف الغمه ۳/۱۲۸، منتهی الآمال ۲/۴۱۹. ام ولد که نامش سمانه مغربی و یا اسم های دیگری که در کشف الغمه نقل شده اند. کشف الغمه ۳/۱۵۹، سر السلسله العلویه ص ۳۹. أم ولد نوبیه به او گفته میشد ریحانه، و قیل سوسن و قیل الماجده، و حدیث، و سلیک، والجدہ. منتهی الآمال ۲/۵۱۹، سر السلسله العلویه ص ۳۹، کشف الغمه ۳/۱۸۸.</p>
---	---

<p>مهدی منتظر بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین</p> <p>مراجع</p>	<p>گفته شده است : اسمش نرگس یا صیقل یا خمط و او ام ولد است. نباتی عاملی در (سر من رای بدار العسکری و نرجس الام بقول الاکثر) می‌گوید : برخی گفته‌اند اسمش حکیمه و برخی دیگر می‌گویند او کنیزی رومی از نسل یکی از حواریان حضرت مسیح به نام شمعون پسر حمون بن صفا است و اسم او ملیکه دختر یسوع ابن قیصر پادشاه روم است. روایات متعددی با سندهای معتبر از بشر بن سلیمان نخاس از فرزندان ابویوب، نزد ابن بابویه قمی و شیخ الطائفه طوسی وجود دارند. همانطور که عباس قمی در منتهی‌الامال (۵۵۵/۲) بیان کرده است.</p> <p>منتهی‌الامال ۵۵۹/۲، کشف‌الغمه ۲۲۴/۳، الإرشاد ص ۳۴۶، حق‌الیقین لشبر ص ۲۲۲، الصراط‌المستقیم لمستحقی التقدیم ۲۱۷/۲، عمده‌الطالب ص ۱۵۸.</p>
--	---

اگر به مطالب گذشته توجه کنید به نتایج زیر می‌رسید :

- ۱- در مورد نام مادر امامان اختلاف نظر وجود دارد و در اسم مشخصی اتفاق نظر وجود ندارد.
- ۲- تلاش‌های بی‌ثمر و بدون دلیلی برای تأویل و توجیه تعدد اسما صورت گرفته است.
- ۳- اشاراتی قابل ملاحظه وجود دارد که مادر امامان از نژاد عجم، رومی نصرانی و یا بربری غیرعربی هستند. مثلاً مادر موسی کاظم حمیده مصفی از اشراف عجم است و مادر علی زین‌العابدین شاه زنان دختر یزدگرد پسر کسری پادشاه ایران، و مادر علی النقی سمانه مغربیه، و مادر حسن عسکری، ریحانه نوییه، و مادر علی‌الرضا شقراء نوییه است.

و مادر محمدجواد نوبیه از اهل بیت ماریه قبطیه، و مادر مهدی منتظر نهایتاً نسب ا و به شمعون بن حمون بن الصفا یکی از حواریان عیسی مسیح(ع) و او دختر قیصر روم است.

آیا این عجیب نیست که مادر امامان یا ام‌الولد یا نوبیه، قبطی، رومی و یا از اشراف‌زادگان عجم هستند.

و تنها مادر عربی آنها فاطمه دختر حسن مادر محمدباقر یا فاطمه دختر قاسم بن محمدبن ابوبکر صدیق (ام فروه) مادر جعفر صادق است. براستی این جای تأمل است.

ملحق دوم

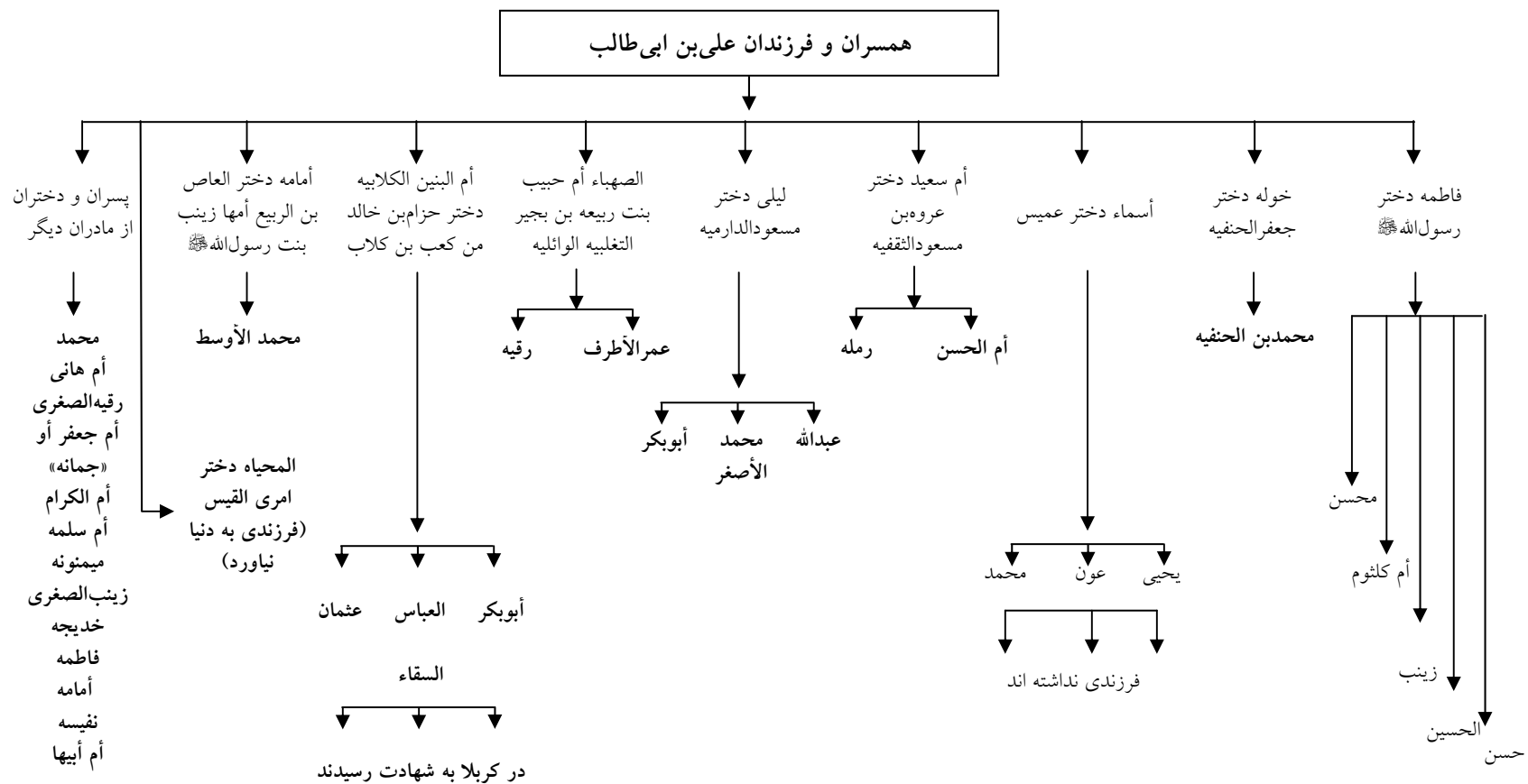
راهنمای اسم فرزندان (پسر و دختر) اهل بیت (

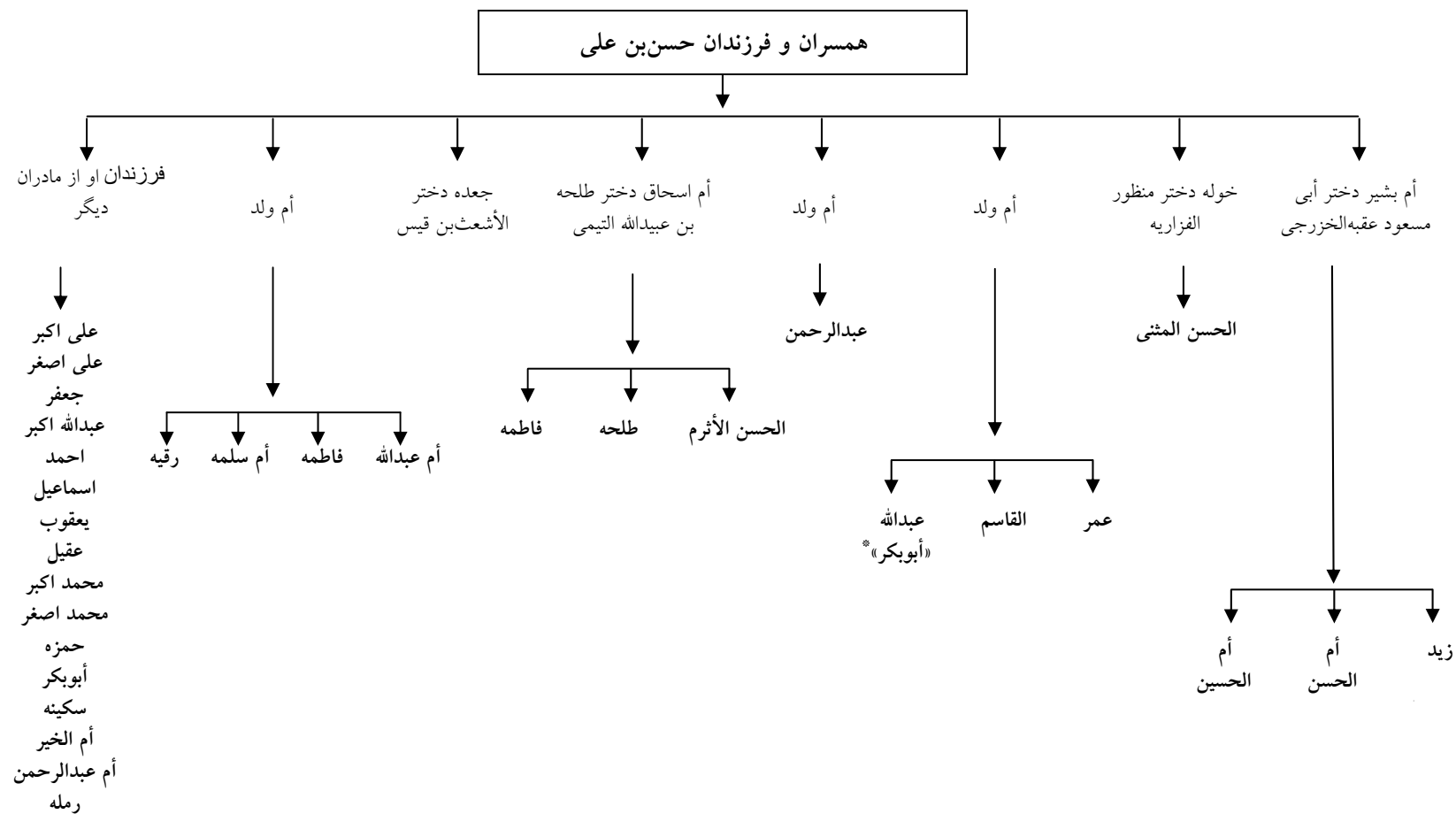
- ۱- عمرالأطرف بن علی بن أبی طالب.
- ۲- عمر بن محمد بن عمرالأطرف بن علی بن أبی طالب.
- ۳- عمر بن حسین شهید بن علی بن أبی طالب.
- ۴- عمرالأشرف بن علی بن حسین بن علی بن أبی طالب.
- ۵- عمر بن علی الأصغر بن عمرالأشرف بن علی بن زین العابدین بن حسین.
- ۶- عمر بن حسن افطس بن علی الأصغر بن علی بن زین العابدین بن حسین.
- ۷- عمر بن حسین بن زید بن علی بن حسین بن علی بن أبی طالب.
- ۸- عمر بن موسی کاظم بن جعفر صادق.
- ۹- عمر بن حسن (نوه پیامبر) بن علی بن أبی طالب.
- ۱۰- عمر بن جعفر بن محمد بن عمرالأطرف بن علی بن أبی طالب.
- ۱۱- عمر بن محمد بن عمر بن علی بن حسین شهید.
- ۱۲- عمر بن یحیی بن حسین بن زید.
- ۱۳- عمر بن حسن بن علی بن علی بن أبی طالب.
- ۱۴- أبوبکر بن علی بن أبی طالب.
- ۱۵- أبوبکر بن حسین شهید بن علی بن أبی طالب.
- ۱۶- أبوبکر بن حسن (سبط) بن علی بن أبی طالب.
- ۱۷- أبوبکر بن عبدالله بن جعفر بن أبی طالب.
- ۱۸- أبوبکر یکی از نام‌های مهدی منتظر.
- ۱۹- عثمان بن علی بن أبی طالب.
- ۲۰- عثمان بن عقیل بن أبی طالب.

-
- ٢١- عائشه دختر موسى كاظم بن جعفر صادق.
- ٢٢- عائشه دختر على الرضا بن موسى كاظم بن جعفر صادق.
- ٢٣- عائشه دختر على ابن حسن بن محمد جواد بن على رضا بن موسى بن جعفر صادق.
- ٢٤- معاويه بن عبدالله بن جعفر بن أبى طالب.
- ٢٥- طلحه بن حسن بن على بن أبى طالب.

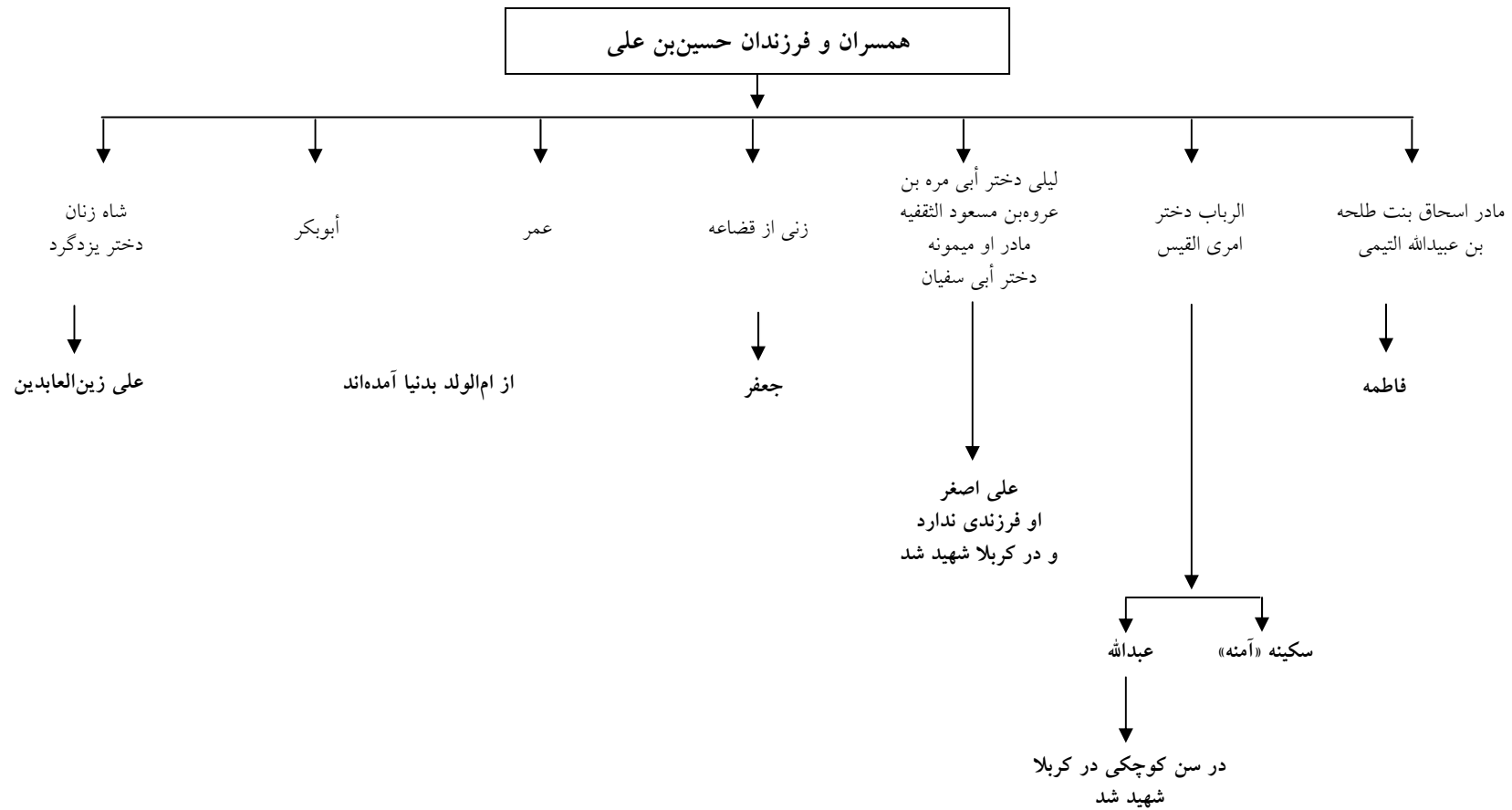
ملحق سوم : جدول ازدواج‌های امامان

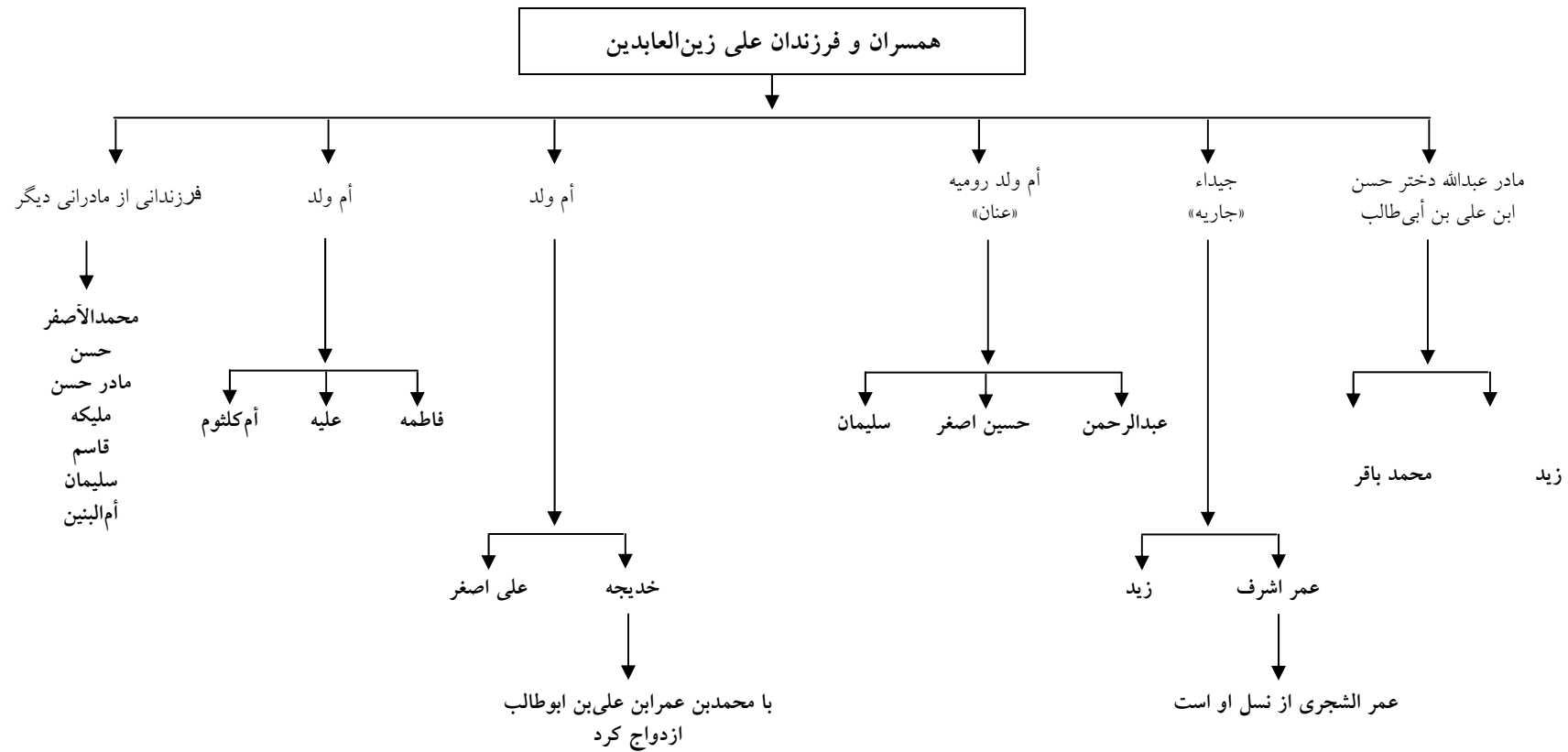
ازدواج‌های علی بن ابی طالب و فرزندان

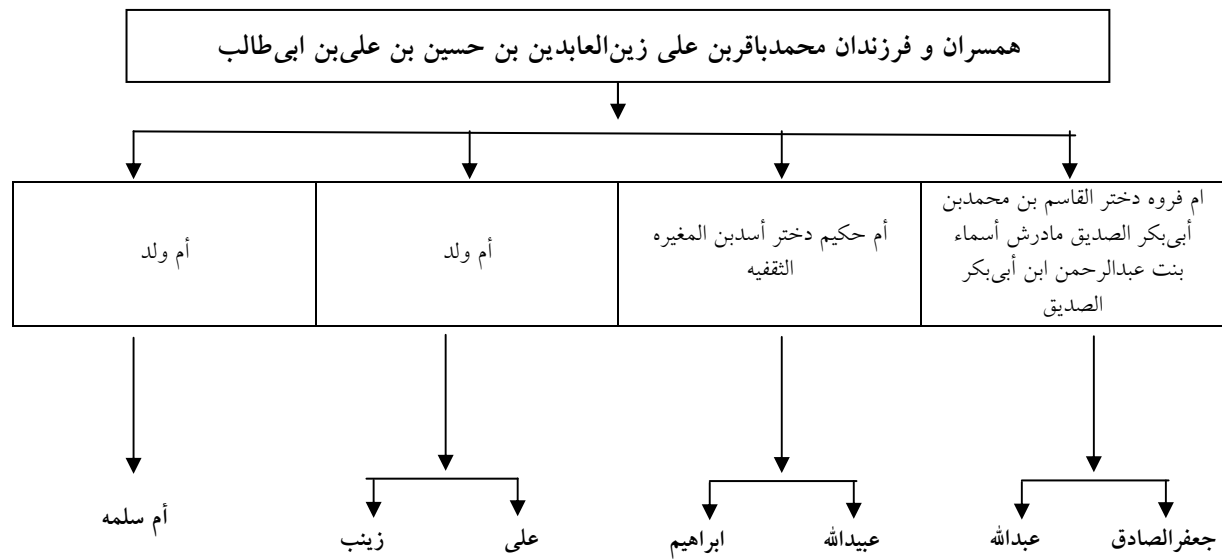




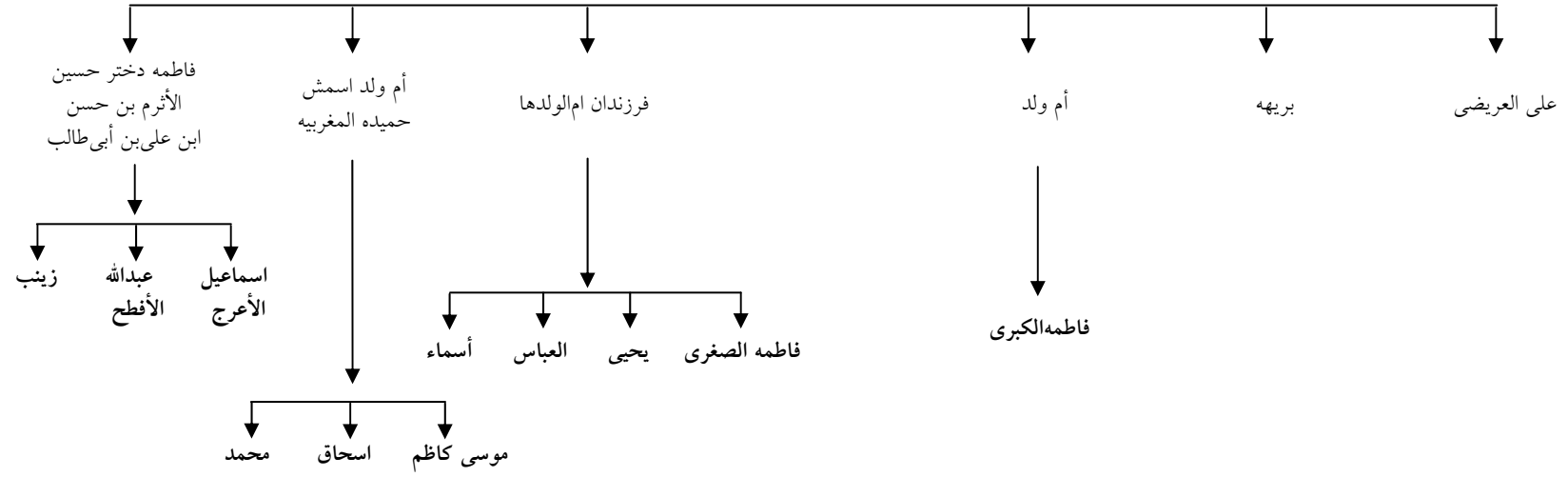
* ابن عنبه در «عمده الطالب» (ص ۴۷) می گوید : عبدالله همان ابوبکر است.



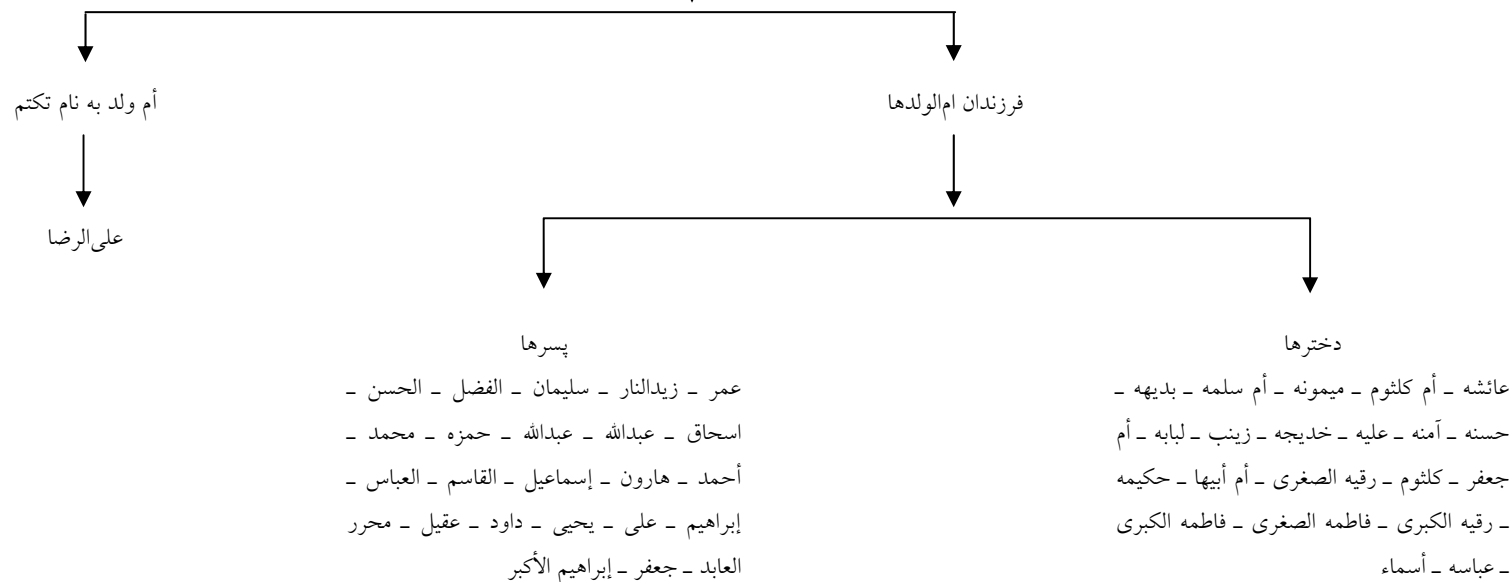


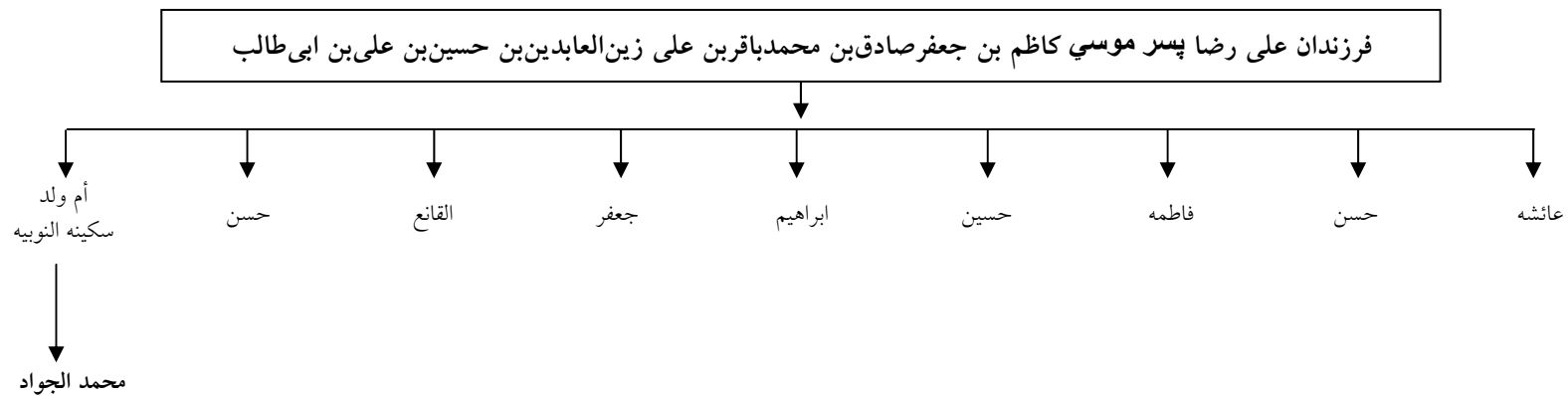


همسران و اولاد جعفر صادق بن محمد باقر بن علي زين العابدين بن حسين بن علي بن ابي طالب



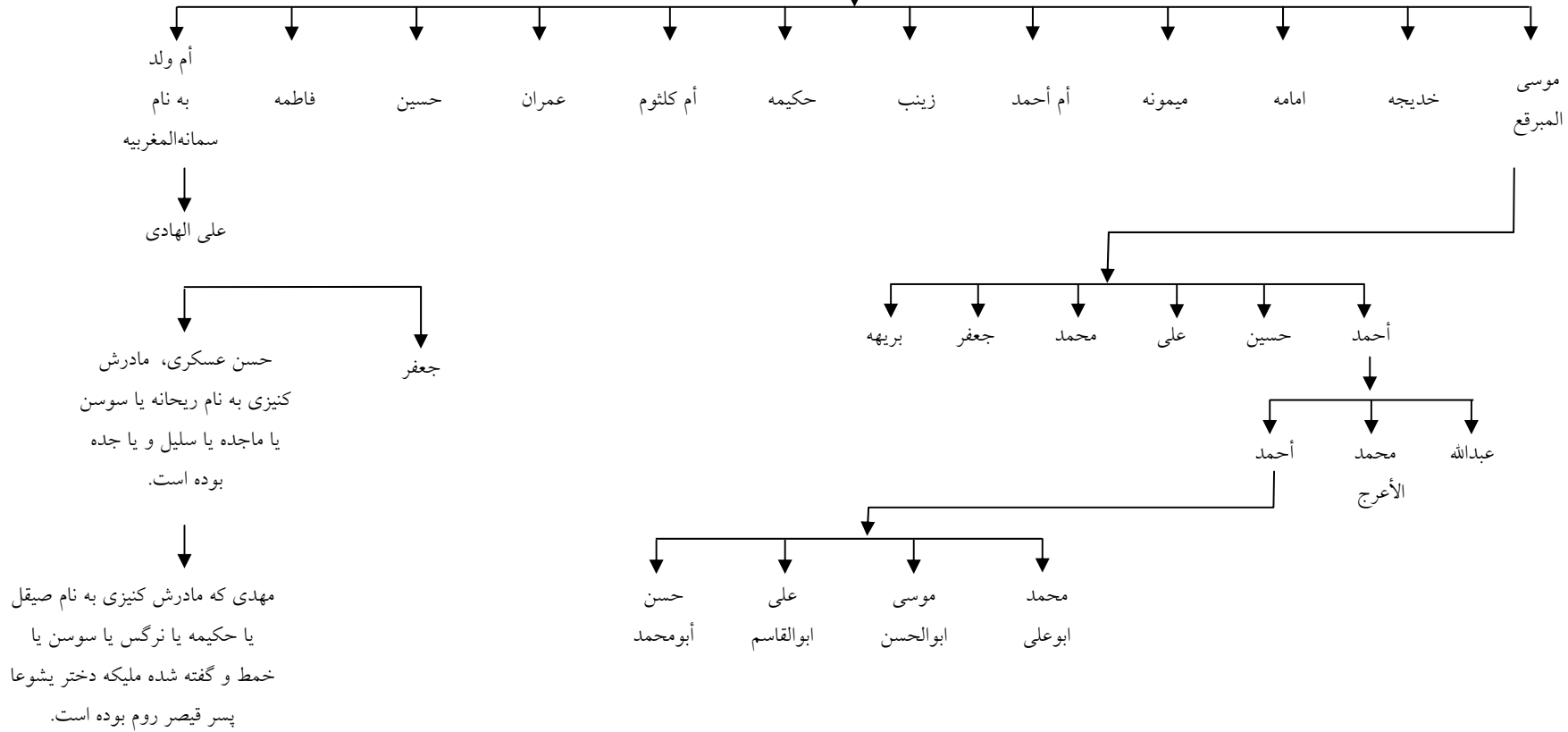
همسران و اولاد موسى كاظم بن جعفر صادق بن محمد باقر بن علي زين العابدين بن حسين بن علي بن أبي طالب و أولاده

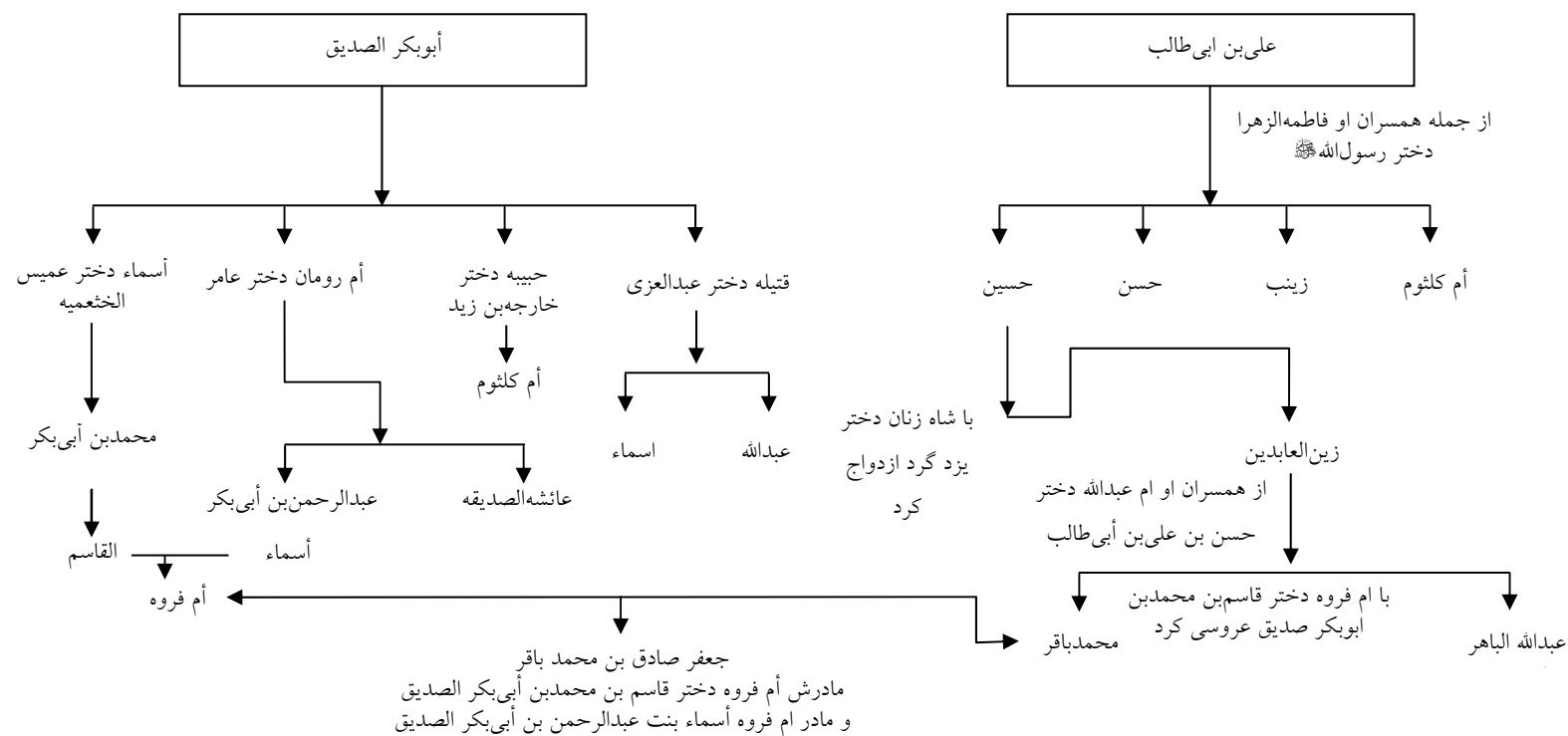




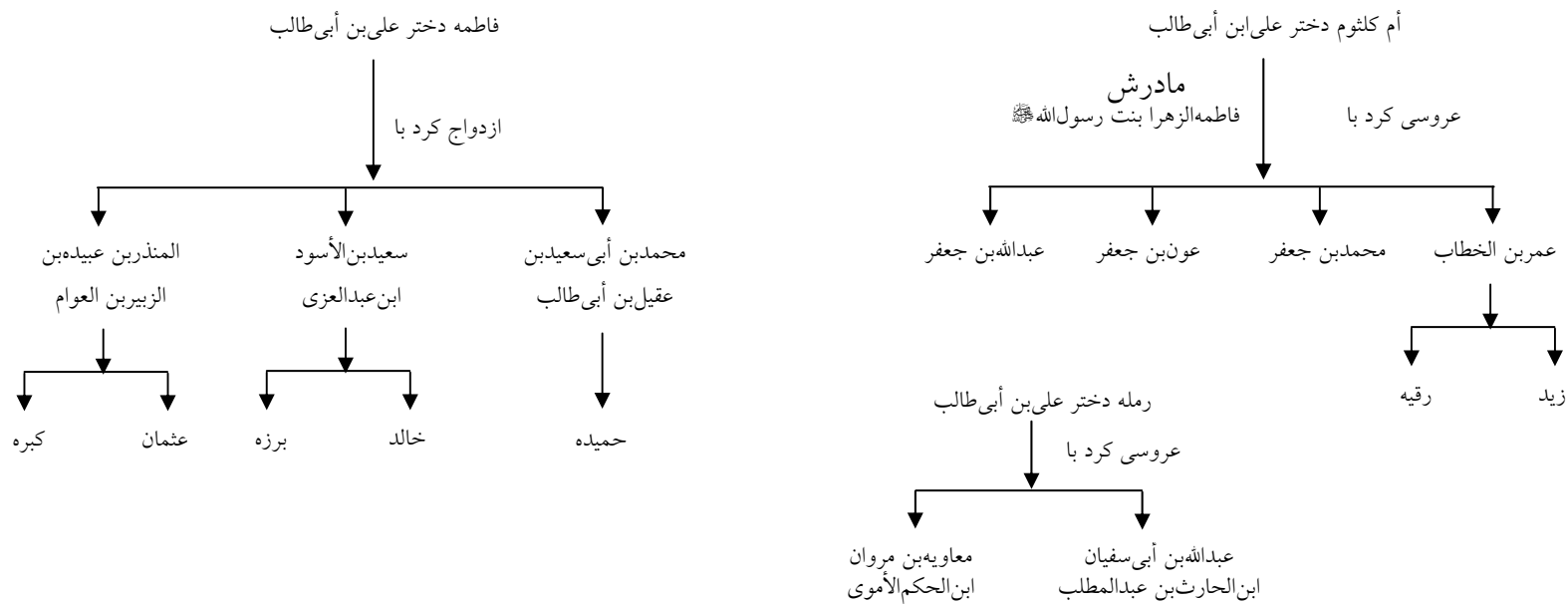
* در سر السلسله علویه (ص ۳۸) آمده است او فرزندی جز محمدجواد نداشته است. در کشف الغمه (۵۸/۳) آمده است او پنج پسر و یک دختر به نام عائشه داشته است ولی حافظ عبدالعزيز بن الاخضر الجنازیدی پنج پسر و یک دختر به نام عائشه برای او ذکر کرده است. (کشف الغمه ۵۹/۳) که در اسم آنها و اسم مادر محمدجواد اختلاف نظر وجود دارد و این اختلافها را نقل کرده است.

همسران محمد جواد و فرزندان علی هادی و حسن عسکری

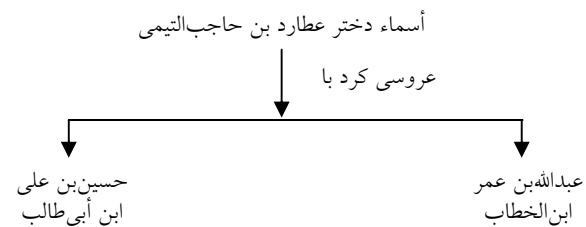
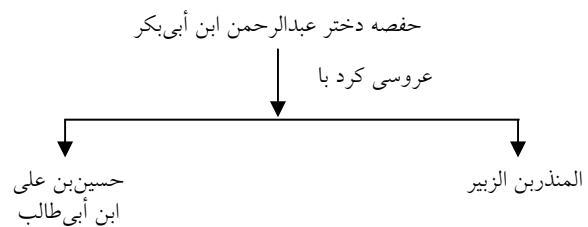
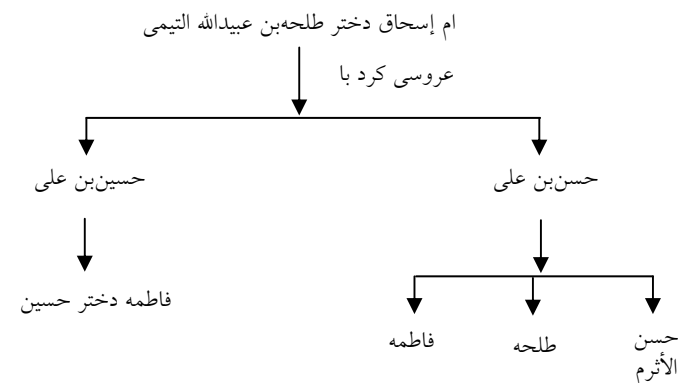
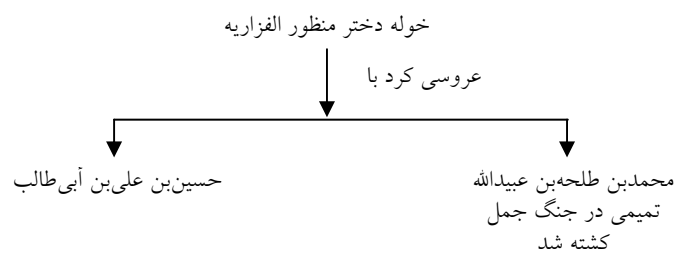


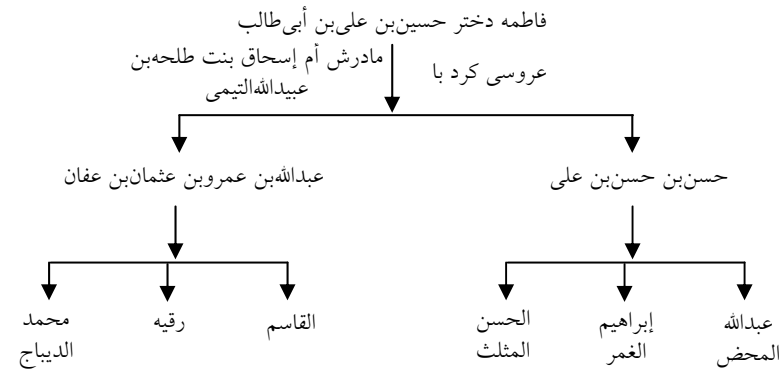
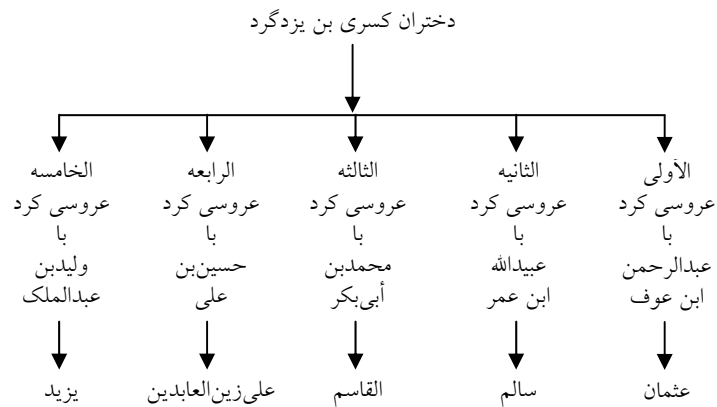
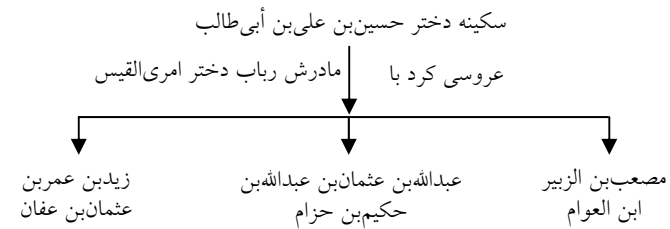
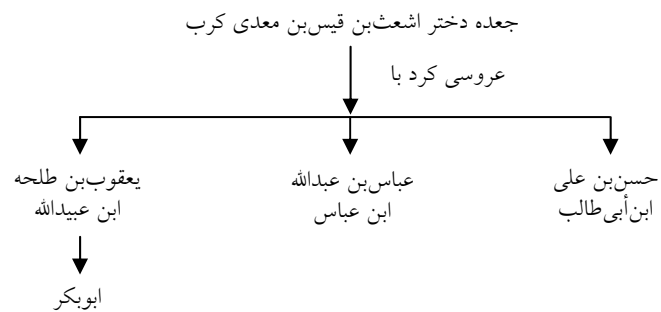


ازدواج‌های فرزندان علی

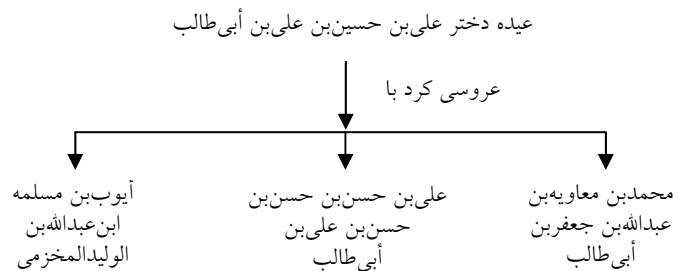
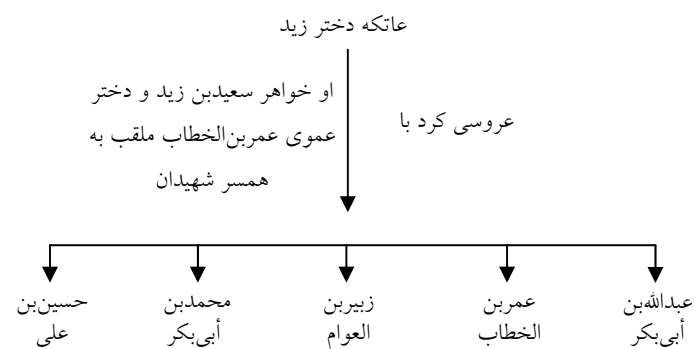
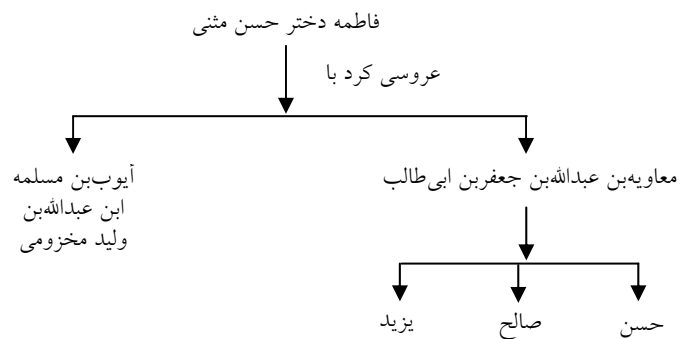
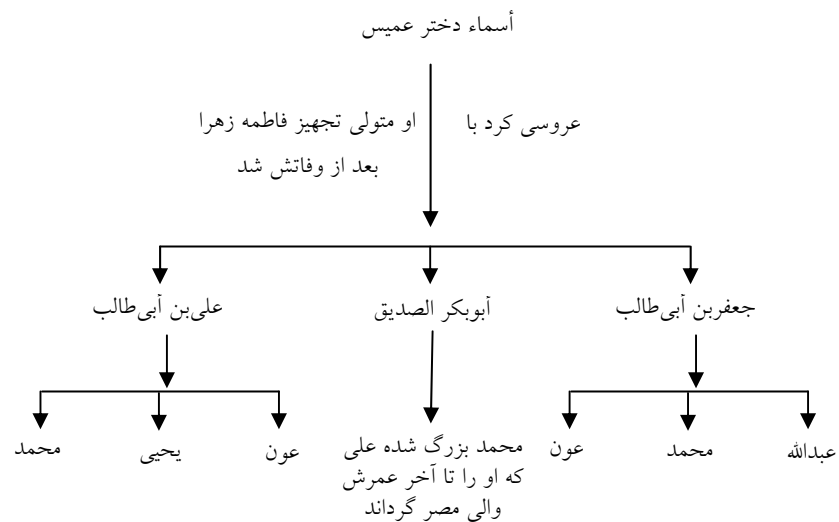


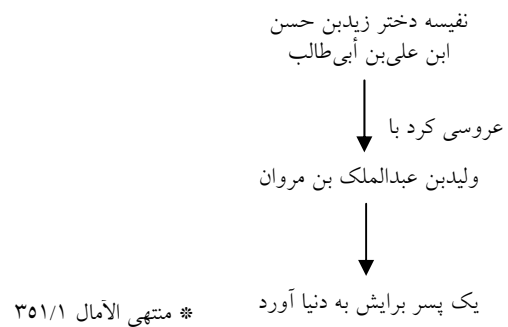
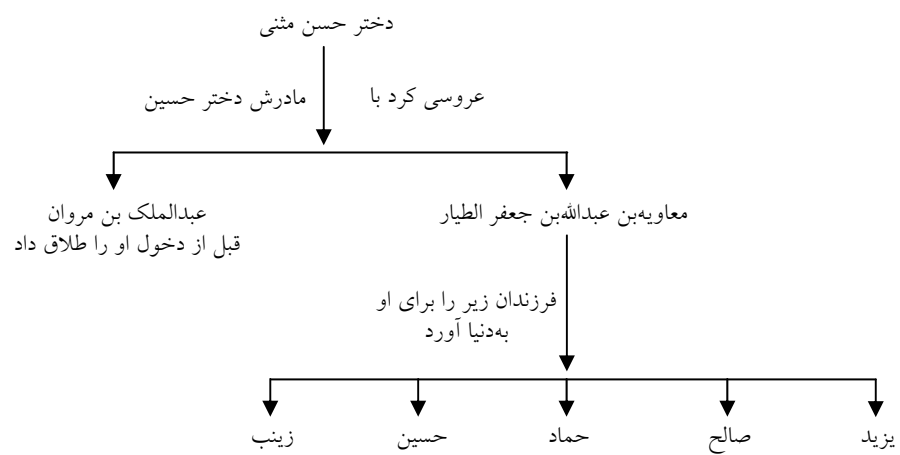
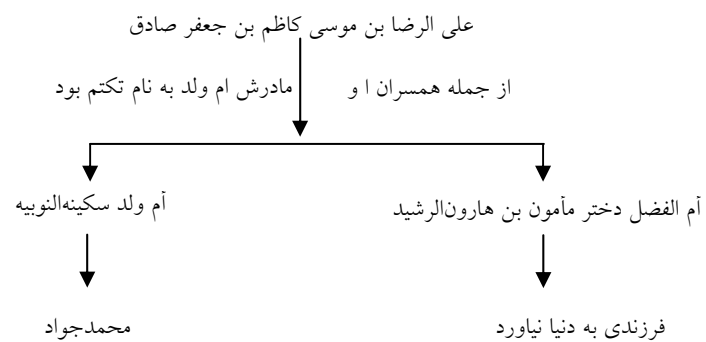
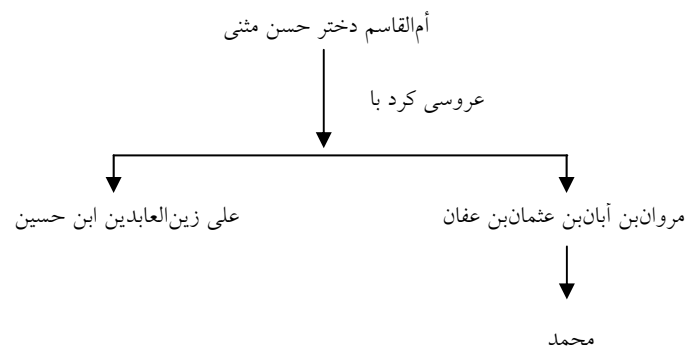
ازدواج‌های حسن و حسین دو نوهٔ پیامبر ﷺ و فرزندان‌شان

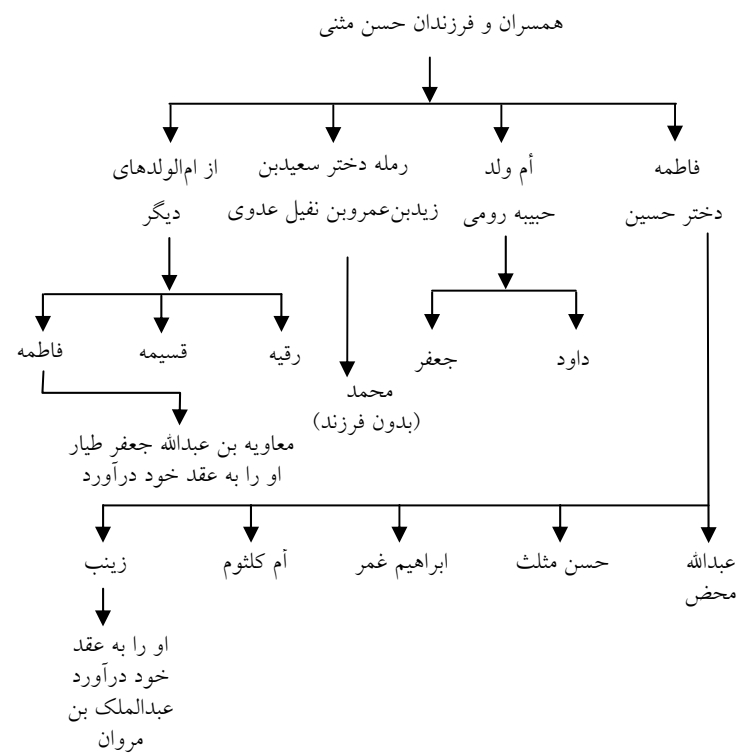
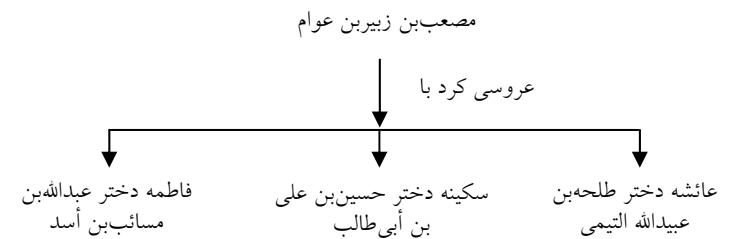
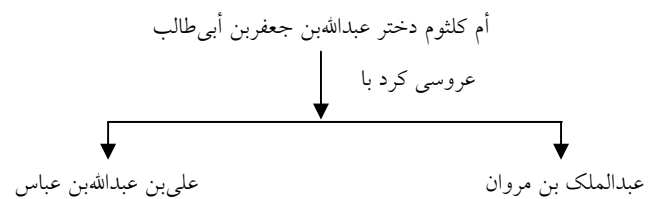




از علماء بزرگ فقه و حدیث به شمار می آیند





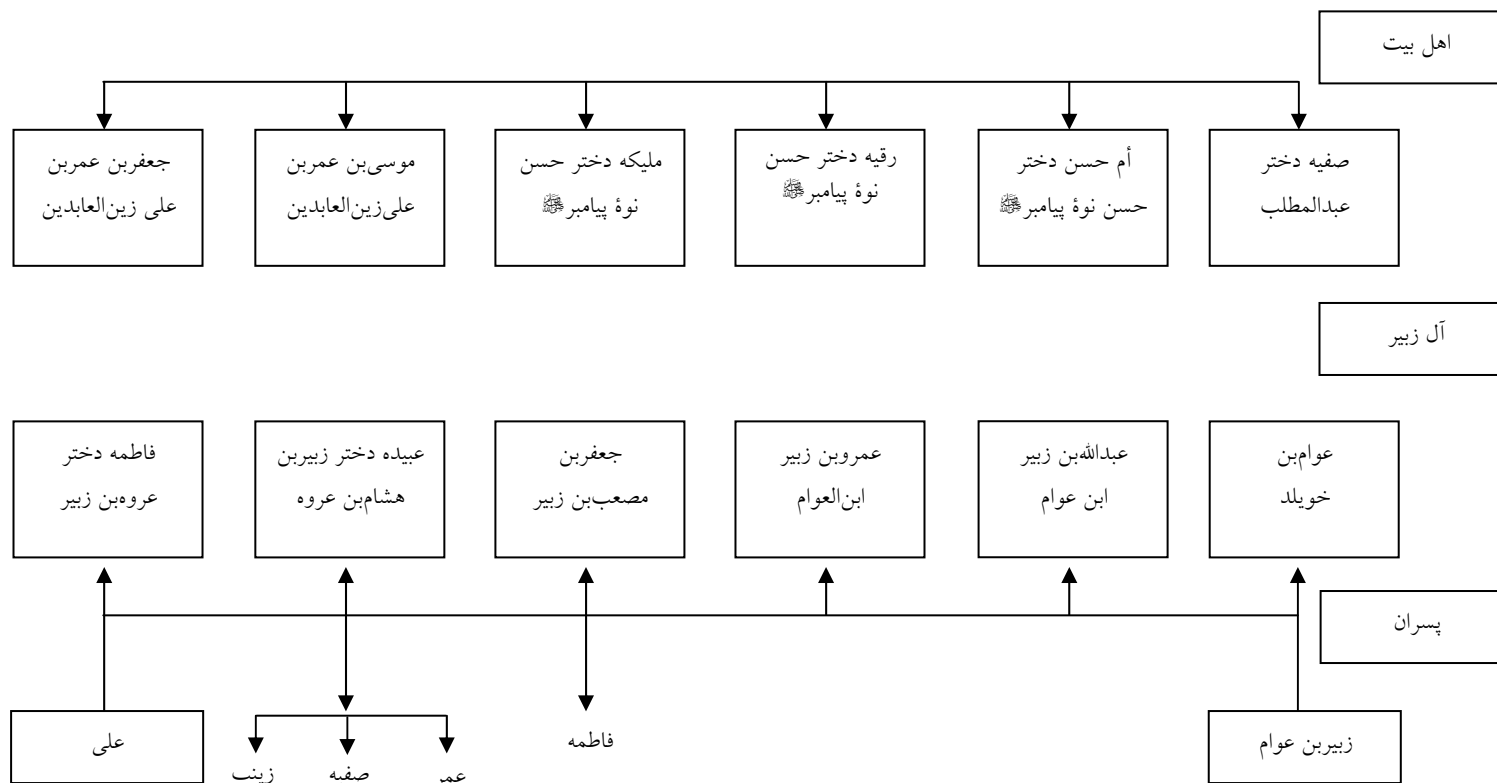


سر

ص ۷، عمد الطالب

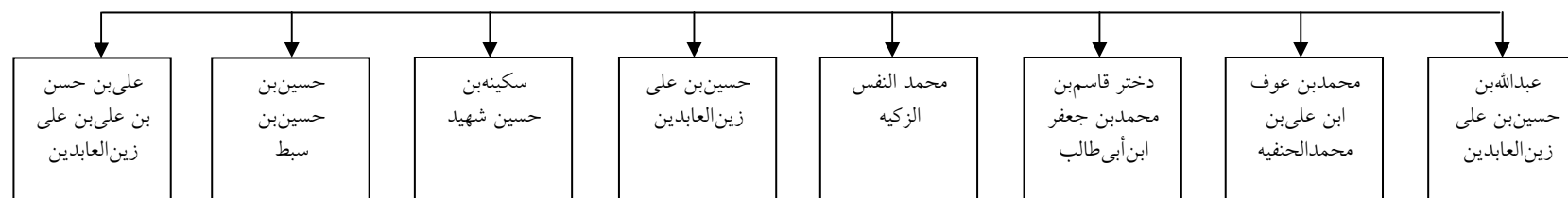
ص ۴۷، منتهی الآمال ۱/۳۵۰

تمام ازدواج‌های اهل بیت با آل زبیر



اهل بیت

ادامه ازدواج‌های اهل بیت با آل زبیر



آل زبیر

